

خانواده
مبلغان ۱۳

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال دوم - شماره ۱۳ - جمادی الاولی ۱۴۴۵

■ بانوی برکت اسوه مقاومت

■ تأثیر افکار و حالات افراد بر غذا

■ مجلس نشین بر تعارف

■ مردان، عاشق این گونه زن‌نند

■ مهارت ارتباط صمیمی والدین با فرزندان (۵)

■ هویت اسلامی ایرانی را دریابید!



مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

جمادی الاولی ۱۴۴۵ ق

۱۲



نقشه‌ی جامع هویت زن

نقشه‌ی جامع هویت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی سبیل الله، در عین حال کدبانو، مدیر خانه و در عین حال عابد و بنده‌ی خدای متعال. و در نهایت، فاطمه‌ی زهرا (ع)
نشان داد که زن می‌تواند به رتبه‌ی عالی عصمت برسد که این‌ها خصوصیات این بزرگوار است.

رهبر انقلاب اسلامی | ۱۳۹۹/۱۱/۱۵





خانواده مبلغان ۱۳

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال دوم - شماره ۱۳
جمادی الأولى ۱۴۴۵ قمری
آذر ماه ۱۴۰۲ شمسی

شناسنامه

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
 ۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
 ۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی- پژوهشی، منتشر می‌شود.
 ۴. نقل مطالب یا ذکر منبع مجاز است.
 ۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
 ۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.
- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
 - مدیرمسئول: محمود مقدمی
 - سردبیر: جواد قراباغی
 - هیئت تحریریه: حسین ملانوری، اصغر اخوی، مهدی هادی، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، جواد قراباغی، محمد حامد مبینی راوندی، هاجر شعبانی، موسی کلایه، سیده منیر سید تقی، رضیه جبرئیل‌زاده، زینب رحیمی تالارپشتی.
 - مدیر اجرایی: احمد اسماعیلی
 - مدیر هنری و صفحه‌آرا: سید محسن حسینی

فهرست

پیام فرمانده (حجاب شرط اول است) ۳

بانوی برکت، اسوهٔ مقاومت ۴

دانش‌افزایی

حجاب اجباری! ۸

زن در متن حوادث مهم تاریخی ۱۰

همراهان ۸ (مادر آب) ۱۲

حاج آقای مشکل‌گشا ۹ (دزدی ممنوع) ۱۸

بستهٔ ضروریته ۹ (تأثیر افکار و حالات افراد بر غذا) ۲۱

آسیب‌های فضای مجازی را بشناس (روابط اعضای خانواده ۳) ۲۶

مجلس نشین بی‌تعارف ۳۰

خاطرات یک مشاور ۳ (خودمهارگری در خشم) ۳۴

چی بخونیم؟ (مردان عاشق این‌گونه زن‌اند) ۳۸

قصه‌های من و مادر بزرگ ۶ ۴۲

در سرزمین عجایب ۴ (عین‌دختری چهارده ساله) ۴۵

سکوت، آتش، حرکت ۴۹

بازی - گوشه ۶ ۵۴

مهارت‌افزایی

تفاوت‌های من و همسرم ۷ (تفاوت در عشق‌پورزی) ۵۶

مهارت ارتباط صمیمی والدین با فرزندان ۵ ۶۰

بصیرت‌افزایی

هویت اسلامی - ایرانی را دریابید! ۶۶

با مخاطبان

دوست فلسطینی من (آثار برگزیده ارسال شده از مخاطبین) ۷۳



پیام فرمانده

حجاب شرط اول است

در نظام اسلامی زنان باید از درک سیاسی برخوردار باشند، فن خانه‌داری و همسرداری را بدانند و در صحنه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و خدمات، مظهر عصمت، طهارت و مناعت باشند و به این مهم توجه کنند که حجاب شرط اول است. زیرا بدون حجاب، زن فراغت لازم را برای دستیابی به مراتب بالا بدست نخواهد آورد!

پی نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۳۷۲/۹/۱۷.





محمودمقدمی

ایام حزین فاطمیه همیشه یادآور اندوه بی‌پایان شهادتِ غم‌بارِ بانویی از جنس صبر و حماسه است؛ مادری که در ایامی از خاص‌ترین دورانِ زندگانی خویش، وقتی که حال و روز جسمی و روحی بارداریِ فرزندِ شش‌ماهه‌ای را می‌گذرانند، ابراهیم‌وار با جسم و جان‌ش به دلِ آتشِ فرعونیان زد؛ بی‌آنکه شعله سرد شود و در نیم‌سوخته‌ی گلستان!

او برای دفاع از حق قدمی پا پس نکشید! حتی وقتی فرزندِ خویش را از دست داد، با پهلوئی پشکسته و دردی که جز بانوانِ فرزند از دست‌داده کسی توان درکش را ندارد، شال کمرِ حق را چنان محکم گرفت که باطل جز با شکستن بازوی حق نتوانست آن را جدا کند...!

در آجر هم با همان صورت زخمی و نیلی‌اش و آن حالِ بی‌حالِ ناگفتنی، با



سلاح نفرینش ستون‌های مسجد را به لرزه
درآورد و شمشیر آخته باطل را از سر حق
دور کرد!

ماجرای کوچه بنی‌هاشم و خانه‌ای که
خواستند آن را با اهلش آتش بزنند، کلاس
درس مقاومت بود؛ نه فقط کلاس تربیت
مادران و خواهران و همسران شهیدپرور
و مقاوم و نه تنها کلاس درس رزمندگان
مقاومت، که کلاس درسی مهدی‌پرور و
منجی‌پرور بود؛ چراکه حضرت حجت عجلت الله فرجه در
میان چهارده معصوم علیهم السلام، حضرت «**اُمّ ابیها**»،
آن صدیقه شهیده را «اسوه حسنه» برای خود
می‌داند و می‌فرماید: **«وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهَا لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»!**

هویت فاطمی علیها السلام عیار زندگی را چنان بالا
می‌برد که کم‌ها زیاد می‌شود. در سنی در
حدود هجده سال، دختری کردن و هم‌زمان
مادری کردن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن اشرف
مخلوقات عالم، و همسری کردن برای مردی
که قرآن کریم او را نفس رسول الله صلی الله علیه و آله

خوانده^۲ و یک ضربت شمشیرش از عبادت تمام جن و انس برتر شمرده شده، و مادری کردن برای دو امام معصوم علیهم السلام که «سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْحَيَّةِ»^۳ خوانده شده‌اند، و محوریت خانواده نبوت که خداوند متعال فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۴ گوشه‌ای از مقامات این بانوست.

در همه‌جای زندگی‌اش خداکم را زیاد کرده است: از اعجاز شام عروسی‌شان که از یک دیگ تمام اهل مدینه سیر شدند تا اعجاز منزل کوچکشان که همه در آن جاشند! گواه دیگرش تسیحات حضرت زهرا علیها السلام است که امام صادق علیه السلام فرمود: «بعد از هر نماز واجب محبوب‌تر از هزار رکعت نماز در هر روز است.»^۵

در حدیث شریف کسا خداوند برای ملائک آسمان، پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام را با تعبیر «فَاطِمَةٌ وَ أَيْبَاهَا وَ بَعْضُهَا وَ نَبِيَّهَا» معرفی می‌کند؛ بانویی که آری، فاطمه علیها السلام کوثر یعنی «خیر کثیر» است که کوچک‌ترین سوره قرآن (کوثر) این مفهوم را به بهترین وجه تفسیر کرده است!



«برکت» و «مقاومت» دو کلیدواژه پیرنگ در زندگانی حضرت زهرا علیها السلام است؛ دو موضوعی که در تمام تاریخ پیوستگی عیانی باهم داشته و دارند. کافی است قدری به اطراف خود بنگریم. هرکجا صبر و استقامت تبلور یافته، برکت هم آمده و کم‌ها به اراده الهی زیاد شده!

امروز داغ‌ترین شاهد مثالی این موضوع ماجرای غزه و فلسطین است که صبر و استقامت بی‌نظیرشان حاصل تربیت مادرانی است که هفتاد سال است که در محاصره «أشقی الآخِرین» تسلیم نشده‌اند و صبح پیروزی و آزادی را لایبی کودکان خود کرده‌اند و با پرپرسیدن هر غنچه زندگی‌شان «حَسْبُنَا اللهُ» می‌گویند!

اما...
اما مقاومت برکت می‌آورد! حاصل تربیت مادران مقاوم و صبور می‌شود امثال حماس! همان نیروی کوچک جبهه مقاومت که از دل محاصره‌های هفتادساله، امروز هم‌اورد اسرائیل با ارتش آن چنانی و تجهیزات آن چنانی و اقتصاد آن چنانی و اطلاعات آن چنانی... شده است.

پی‌نوشت

۱. الغیبة، محمدبن حسن طوسی (شیخ طوسی)، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ج ۱، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۶.
۲. آل عمران/ ۶۱: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأُنفُسَنَا وَأُنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيَّلْنَا لَمْ تَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».
۳. سنن ترمذی، محمدبن عیسی ترمذی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۲م، ج ۵، ص ۴۲۶.
۴. احزاب/ ۳۳.
۵. کافی، محمدبن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ج ۴، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۲، ح ۱.



حجاب اجباری!

سیدمحمد حسین راجی
اندیشکده راهبردی شعراء

گفت: چرا زنان ایرانی باید حجاب اجباری داشته باشند؟ مگر قرآن نمی‌گوید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ پس چرا اجبار می‌کنید؟ برخی به حجاب اعتقاد ندارند و نمی‌خواهند حجاب داشته باشند.

گفتم: چه کسی گفته ما در کشور حجاب اجباری داریم؟

در کشور ما حجاب اجباری نیست بلکه پوشش اجباری است. بین حجاب اجباری و پوشش اجباری تفاوت زیادی وجود دارد در تمام دنیا پوشش اجباری است. همین خانمی که چند وقت پیش در هلند کشف حجاب کرد چرا پایین تنه‌اش را برهنه نکرد؟ چون طبق قانون هلند اگر پایین تنه‌اش را کامل برهنه می‌کرد، مرتکب جرم شده بود و دستگیر می‌شد. پس این یعنی در هر کشوری به یک اندازه‌ای پوشش اجباری وجود دارد.

هیچ کشوری نمی‌یابید که اجازه دهند خانم‌ها در خیابان یا مدرسه و دانشگاه لخت مادر زاد راه بروند. به عنوان مثال: اردیبهشت امسال دخترخانم‌های دبیرستانی در کانادا به خاطر پوشش زیادی در مدرسه اعتراض کردند پلیس هم

وارد شد و دستگیرشان کرد^۱ در همه جای دنیا پوشش وجود دارد و به کسی اجازه نمی‌دهند با هر پوششی راه برود، پس حداقل پوشش همه جا وجود دارد. دوماً می‌گویند شاید یکی اعتقاد به حجاب نداشته باشد. مگر ملانیا ترامپ یعنی همسر ترامپ به حجاب عقیده دارد؟ پس چرا وقتی به واتیکان می‌رود روسری سر می‌کند؟! مگر ما کسی را به زور مسلمان کردیم؟! در کشور باید قوانین اجرا شود. معنی «اکراه فی اللین» این است که افکار، برخلاف افعال قابل اجبار نیست. یعنی شما نمی‌توانید فکر یک نفر را به اجبار تغییر بدهید؛ چرا؟ چون در ادامه آیه آمده: «... قَدْ تَبَيَّنَ ...» باید تبیین شود در تمام دنیا قانون وجود دارد. مثلاً در دانشگاه پنسیلوانیا خانم اجازه ندارد با کفش پاشنه بلند وارد دانشگاه شود، این که به اسلام ربطی ندارد قانون است. پس قانون وجود دارد و ربطی به «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» ندارد.



پی‌نوشت

۱. اعتراض دانش‌آموزان مدرسه‌ای در کانادا به قانون پوشش: <https://B2n.ir/u23436>

قوانین پوشش در کشورهای مختلف

<p>کره شمالی</p> <p>فحرت و بزرگی کره شمالی از آمریکا موضوع محبت نیست. طوری که پوشیدن شاور چین آب فرانس کشور ممنوع است. به این دلیل ساده که آب رنگ آبی را منتسب به آمریکا می‌دانند.</p>	<p>امارات متحده عربی</p> <p>قوانین مربوط به ممنوعیت‌های پوششی در این کشور شامل پوشش‌های ملانیا و زانوها در اماکن عمومی از جمله مراکز خرید است.</p>
<p>ایتالیا</p> <p>در کارپری ایتالیا، پوشیدن مانتو تا انگشتان ممنوع است و این ممنوعیت به خاطر سرمصافی است که این کت‌ها ایجاد می‌کنند و آرایش این جزیره را بر هم می‌زنند.</p>	<p>واتیکان</p> <p>در سال ۲۰۱۰ قانونی از سوی واتیکان مقرر شد که برای کسانی که بزرگان در بازدید از این مکان حرام به رعایت قانون حجاب می‌بندند، این نوع پوشش زنان نوهه و مردان کت آن را ممنوع می‌نماید. بازنه‌کنندگان می‌توانند هر چه بپوشند سرفه و پوشش‌ها و پوشش‌هایی داشته باشند.</p>
<p>کانادا</p> <p>در کانادا ماده ۱۷۳ قانون کشوری آن، هرگونه پوشش خلاف عفت عمومی را ممنوع می‌داند.</p>	<p>برزیل</p> <p>برفان آتوچ در مورد برزیل و نوع پوشش در آن تصور می‌شود. این کشور قوانین سختگیرانه‌ای درباره پوشش وضع کرده است. در ماده ۲۹۹ قانون کشوری برزیل هرگونه عمل مخالفی ممنوع است و تعارض آن با آزادی بیان در مقام حکومتی مجاز نیست. هر ماه تا یک سال حبس در پی خواهد داشت.</p>
<p>روسیه</p> <p>اناس‌های گروه موسیقی «نوه» مربوط به دهه ۸۰ میلادی همان نوجوانان روسی هستند. سال ۲۰۰۸ دولت روسیه استفاده از این سبک لباس را ممنوع کرد و آن‌ها که این سبک پوشش را با خود داشتند، روزی در کولکس مربوط دانسته و درج‌های خودکشی نوجوانان را ریشه در همین مد لباس دیده‌می‌نمایند. لباس‌ها را با خود کردند.</p>	<p>مالزی</p> <p>پوشیدن لباس‌های زرد رنگ در سال ۲۰۱۱ در مالزی ممنوع شد. این ممنوعیت از سوی دولت پس از آن صورت گرفت که گروهی از معترضان به قوانین انتخابات از رنگ زرد به عنوان نماد اعتراضی خود استفاده کرده بودند.</p>
<p>قطر</p> <p>در قطر، با به ایام گرامی و جزایر پوشیدن هرگونه لباس بدن نما یا نامناسب در مقام ممنوع است.</p>	<p>استرالیا</p> <p>در ملبورن استرالیا، پوشیدن هرگونه لباس به سبک زنانه برای مردان ممنوع است. بر اساس قانونی قدیمی مردان حق ندارند در نما عمام بپوشند یا زنانه به تن داشته باشند.</p>



زن در متن حوادث مهم تاریخی

مهدی آقابابایی
دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیّه

در کربلا خون توانست بر شمشیر غلبه کند یا به تعبیر دیگر، پیروزی ظاهری یزیدیان منجر به شکست ابدی آن‌ها شود. یکی از دلایل مهمش فعالیت‌های مجاهدانه و فداکارانه حضرت زینب رضی الله عنها بود. اگر نبود آن تلاش‌های جان‌کاه در مقابل آن سختی‌های ویرانگر و اگر نبود تبیین‌گری ایشان و اگر نبود زیبانگریستن آن حضرت به روضه‌پراز غم کربلا، حادثه‌ای با آن عظمت هرگز دیده نمی‌شد و ظلمی که در حق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شد،

در کربلا دفن می‌شد. این درس بزرگی برای بانوان کشور ماست. آنان می‌توانند در زندگی خودشان با تحمل سختی‌ها و با ورود به بسیاری از مسائل و تبیین‌گری درست اتفاقات خوبی رارقم بزنند.

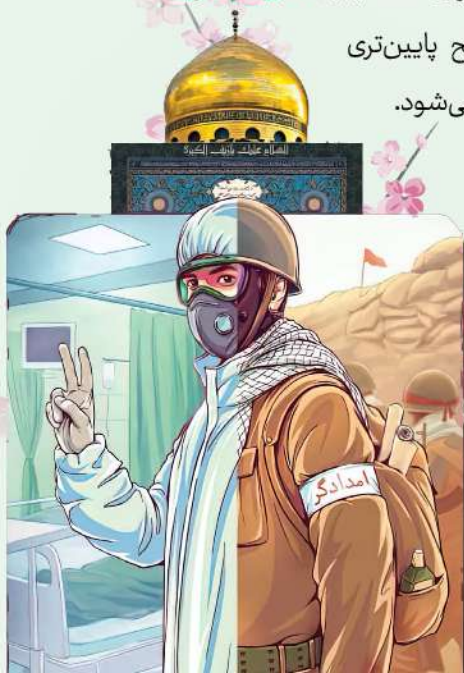
نباید معنای «جهاد تبیین» را انجام‌دادن کارهای بزرگ تصور کنیم. گاهی ممکن است «جهاد تبیین» و تحمل سختی‌ها در درون خانواده و حتی شاید برای تربیت یک فرزند معنا شود. همین کار به ظاهر ساده «حفظ سلامت خانواده»

معنای بزرگی را با خود حمل می‌کند و آن حفظ نظام جمهوری اسلامی و مقابله با دشمنان اسلام است. دشمنان اسلام برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی خانواده و در رأس آن مادر خانواده را هدف قرار داده‌اند. پس بانوانی که قرار است در آینده نقش مهم مادری را ایفا کنند، باید اهمیت این مطلب را به خوبی درک کنند. در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ بسیاری از اغتشاش‌گران نوجوان بودند که با تبیین صحیح در خانواده‌ها، به خصوص توسط مادران، به یقین می‌شد جلوی بسیاری از اتفاقات خطرناک برای نسل نوجوان و جوان ما گرفته شود.

یکی از شباهت‌های مهم پرستار با حضرت زینب علیها السلام تحمل سختی‌ها و مخفی‌نگه داشتن آن است. گاهی بیماران به دلیل دردی که دارند، اخلاقشان دچار تغییراتی می‌شود و برخوردهای خشنی دارند. در اینجا علاوه بر رسیدگی پرستاران عزیز به آن بیماران - که وظیفه اصلی آنهاست - برخورد مهربانانه و دل‌سوزانه آن‌ها می‌تواند روحیه بیماران را تقویت کند و بهبود بیماری‌شان را سرعت بخشد. این مجاهدت را خداوند متعال می‌بیند و شاید بتوان گفت اینجا «**مَا زَايَتْ إِلَّا جَمِيلًا**» در سطح پایین‌تری محقق می‌شود.

روز پرستار

ولادت باسعادت حضرت زینب علیها السلام را روز پرستار نامیده‌اند. باید این را به تمام پرستاران فداکار و زحمت‌کش عزیز کشورمان تبریک بگوییم.





محمد حسن خدای - دانش آموخته حوزه علمیه

مادر آب همراهان ۸

خاک بقیع در نیمه‌های شب پیکر پاک و مجروح فاطمه علیها السلام را در آغوش می‌گرفت. قرص ماه شاهد بود که حسن، حسین و زینب چهارساله چگونه غم‌زده و گریان پشت سر تابوت مادر می‌روند. بد حسرتی است حسرت بلند بلند ناله نکردن برای مادر؛ ولی چاره‌ای نیست؛ امر امر خود زهرا علیها السلام است: «يَا عَلِيُّ غَسِلْنِي بِالْأَيْلِ وَ كَفَّنِي بِالْأَيْلِ وَ دَفَّنِي بِالْأَيْلِ.»

آخر، مگر می‌شود داغ چنین مادر مظلومی را فرو خورد و ناله نزد؟! چه چیزی از مصیبت غلاف شمشیر و مسمار سنگین تراست تا دیده‌ها بر آن بگریند و مردان به سان زنان داغ‌جوان دیده شیون کنند؟! مدینه شاهد چه مراسم تدفینی است؟! تابوت از حد معمول کوچک تراست؛ گویا این بدن بر اثر جراحات چون شمع آب شده است. علی علیه السلام امانت نبی صلی الله علیه و آله را به دستش

فَهِیَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛^۱ دخترم، فاطمه علیها السلام، بانوی زنان جهانیان است.»
فضائل فاطمه زهرا علیها السلام بر کسی پوشیده نبود که در ملأعام در خانه اش را آتش زدند و هیچ کس به دفاع از او یک کلمه هم نگفت. کدام کینه دامن محسن علیه السلام را در رحم مادر گرفت و باعث شهادتش شد؟! کودکان زهرا علیها السلام در آن نیمه شب آستین به دهان می گرفتند و ناله خود را فرومی خوردند. چیزی تا پایان غسل صدیقه عشق نمانده است....

این آه در سینه دوستداران زهرا علیها السلام
می ماند تا فرزندش مهدی علیه السلام
تیغ انتقام بردارد.

فاطمه علیها السلام در قاموس علی علیه السلام

فاطمه زهرا علیها السلام بهترین یاور و همدم امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ الگوی خدانمای صبر و مهربانی و روشنایی و گرمی خانۀ

می سپارد؛ اما تفاوتش با زمانی که آن را گرفته بود، فراوان است: زهرایی که به خانۀ علی علیه السلام آمد، بازویش کبود نبود! سینه اش نیز مجروح نبود! مگر چند روز از رحلت ختم المرسلین صلی الله علیه و آله می گذشت؟! همه می دانستند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود: «فَاطِمَةُ بِضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي؛^۲ فاطمه علیها السلام پاره جگر من است؛ هر که او را خشمگین سازد، مرا خشمگین کرده است.» ملاک خشم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله خشم فاطمه علیها السلام است. حتی فرموده بود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا؛^۳ قطعاً خدا خشمگین می شود به خشم فاطمه علیها السلام و راضی می شود به رضایتش.» یعنی ملاک خشم یا رضایت خدای تبارک و تعالی نیز فاطمه علیها السلام است. با همه این ها، چطور می شود که کسی به خودش جرئت می دهد دست روی صدیقه طاهره علیها السلام بلند کند؟! درحالی که پیامبر صلی الله علیه و آله بارها فرموده بود: «إِنِّي فَاطِمَةُ

علی علیه السلام؛ تا آنجا که علی علیه السلام فرمود: «لَا
 أَغْضَبْتَنِي وَ لَا عَصْتَنِي لِي أَمْرًا؛ فاطمه علیها السلام
 هیچ‌گاه عصبانی‌ام نکرد و هیچ فرمانم را
 سرپیچی نکرد.» سپس فرمود: «وَلَقَدْ كُنْتُ
 أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَتَكَيَّفُ عَنِّي الْمُهْمُومُ وَ الْأَخْزَانُ؛
 هرگاه به فاطمه علیها السلام می‌نگریستم، تمام
 دغدغه‌ها و ناراحتی‌هایم از بین می‌رفت.»
 این‌گونه عشق و محبت در زندگی
 فاطمی علیها السلام جاری است. علی و فاطمه علیهم السلام
 نه‌تنها همسر که تمام زندگی هم
 بودند. فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام در تمام لحظات
 سخت کنار حیدر ایستاده بود. علی
 وزیر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و اغلب در جنگ
 به سر می‌برد. زندگی علی و فاطمه علیهم السلام
 در خانه‌ای ساده و کوچک و با طعامی
 اندک می‌گذشت. در تمام سختی‌ها
 فاطمه علیها السلام حتی یک کلمه هم دم نزد.
 بنا به نقل تاریخ، آن حضرت چنان با
 دستاس گندم آرد کرده بود که دستانش
 ورم کرده بود. زندگی حضرت فاطمه علیها السلام



باید این زندگی را دید و درس گرفت؛
درس استقامت، صبوری، قناعت، و....

چقدر زندگی می‌تواند رنگ‌وبوی خدایی بگیرد! «فَسَأَلْ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ؟ قَالَ: نِعْمَ النُّعُونُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ سَأَلَ فَاطِمَةَ فَقَالَ: خَيْرَ بَغْلٍ!» [پیغمبر ﷺ] از علی ﷺ پرسید: "فاطمه ﷺ را چگونه یافتی؟" فرمود: "بهترین یار برای اطاعت خداوند." و از فاطمه ﷺ پرسید؛ پس فرمود: "بهترین شوهر."

در خانواده فاطمی ﷺ همه یار و کمک‌کار همدیگرند برای سیرالی‌الله و رسیدن به طاعتِ الله.

آیینۀ زهرا ﷺ در دفاع از ولایت

بقای دنیا به رسالت است و دوام رسالت به وصایت و استمرار آن مرهون مدافعتش. فاطمه زهرا ﷺ با دفاع غیورانه‌اش از علی ﷺ سلسله وصایت

برای بانوانی که ممکن است بخواهند از موقعیت همسر یا پدر یا بستگان خود سوءاستفاده کنند سرمشق است؛ زیرا بااینکه زهرا ﷺ در سایه حکومت اسلامی و محبوبیت پدر و همسرش می‌زیست، در نهایت بی‌پیرایگی زندگی می‌کرد. طبقات ضعیف و دشواری‌های آنان را درک می‌کرد. خود و فرزندانش با سختی زندگی را می‌گذراندند. هرگز همسر یا پدر را به گشایش و رفاه و انداختن خانه فاطمه ﷺ هرگز به روی کسی بسته نشد و عقده‌ای برای آنان پدید نیاورد. در این خانه، نشانی از امتیاز تجمل و اشرافیت نبود. فاطمه ﷺ آن قدر زیر دیگ آتش افروخته بود که لباسش دودآلود شده بود. چه روزها که در خانه چیزی برای خوردن نداشتند؛ اما به علی ﷺ چیزی نمی‌فرمود؛ زیرا می‌گفت: «من از خداوند حیا می‌کنم چیزی از تو بخواهم که در توانت نباشد.»

را حفظ کرد. در دوران بعد از رحلت پیامبر ﷺ، در آن شرایط به وجود آمده و انحراف مسلمین به واسطه سقیفه، امکان هرگونه اقدام از امیرالمؤمنین علیه السلام گرفته شده بود. یا باید شمشیر بکشد و رأس طاغوت را در هم شکند و بعد غلاف کند که مسلمین او را به اتهام قتل خلیفه اعدام می‌کنند، یا غلاف نکند و مخالفان را از بین ببرد که از مسلمین جز اندکی کسی باقی نمی‌ماند. پس علی علیه السلام نمی‌تواند شمشیر بکشد. اگر هم شمشیر نکشد، یا باید در خانه بماند که فراموش می‌شود و دیگر نامی از جانشین واقعی پیامبر ﷺ و وصی بلافصل ایشان نمی‌ماند؛ یا باید از خانه بیرون بیاید که او را به زور مجبور به بیعت با طاغوت می‌کنند. در این شرایط و با این یاران اندک، از علی علیه السلام کاری جز صبر و عمل به وصیت پیامبر ﷺ و جمع‌آوری قرآن ساخته نیست؛ زیرا قیامش باعث

تفرقه در امت رسول ﷺ و از بین رفتن اسلام از ریشه و تسلط امپراتوری‌های اطراف بر آنان می‌شود. خداوند متعال برای این شرایط فاطمه علیها السلام را قرار داده است. حالا نوبت اوست که به دفاع از ولایت از خانه بیرون آید و با نهضتش عالم اسلام را مرهون تلاش‌های خود کند؛ اما نه با اسم علی علیه السلام؛ زیرا نام علی علیه السلام یعنی مخالفت علنی با بیعت کردن. فاطمه علیها السلام با اسم فدک بیرون می‌آید. فدک مجموعه باغ‌هایی در اطراف مدینه بود که پیامبر ﷺ آن را به حضرت زهرا علیها السلام هدیه داده بود و حضرت هم آن را برای خرج مسلمین در اختیار پدرش قرار داده بود. اما پس از رحلت پیامبر ﷺ به دفتردار دستور داد که از این پس حساب و کتاب‌ها را برای خود حضرت بیاورد؛ اما طاغوت به سرعت فدک را تسخیر و نماینده فاطمه علیها السلام را بیرون کرد؛ زیرا می‌دانست فاطمه علیها السلام

با سیلی قباله آن را پس گرفتند، حضرت به مسجد آمد و خطبه فدکیه را ایراد فرمود و در آن تاج و تخت ظالمان را ویران کرد. شرح حماسه فوق‌العاده فاطمه علیها السلام در این مجال اندک نمی‌گنجد؛ زیرا اگر تمام دریاها مرکب و تمام درختان قلم شوند، از وصف مادر آب عاجزند. فاطمه علیها السلام پشت دررفت تا علی علیه السلام سر پا بماند و نامش تا ابد بر تازک تاریخ بدرخشد.

مزار بی‌نشانش دردی است بر جان شیعه و نشانی است بر مظلومیت بی‌شمارش تا فرزندش مهدی علیه السلام نشانی‌اش را بازگوید.

می‌تواند با درآمد فدک، مانند خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله، کمک علی علیه السلام باشد در بازپس‌گیری حق غصب شده‌اش.



فاطمه علیها السلام با نام فدک خطبه خلیفه را قطع و حقش را با دلیل و برهان متقن ثابت کرد. در همین حال، به مردم توجه می‌داد که جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله باید مثل خودش عادل و دانی به احکام باشد، نه این‌گونه. ابتدا به ظاهر فدک را تسلیم کرد؛ اما بعد که

پی‌نوشت

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴۳، ص ۲۱۴.
۲. همان، ج ۲۹، ص ۳۳۷.
۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۷۹.
۴. همان، ج ۴۳، ص ۲۴.
۵. همان، ص ۱۲۴.
۶. المناقب، محمد بن علی بن شهر آشوب، انتشارات علامه، قم، ج ۳، ص ۳۵۵.



حاج آقای مشکل گشا ۹

دزدی ممنوع

محمد امینی - دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه

موضوع پایان نامه ام از این جهت برایم اهمیت داشت که می خواستم در ارگان مورد علاقه ام استخدام شوم و برای این کار لازم بود پایان نامه قوی ای داشته باشم تا در جلسه دفاعیه نمره عالی بگیرم. به خاطر همین، استاد راهنمای خوب و قوی برایم خیلی مهم بود. به پیشنهاد دوستان، حاج آقا صالح پرور، امام جماعت محله، را انتخاب کرده بودم.

پس از تکمیل متن پایان نامه، یک روز که برای نماز به مسجد رفتم، حاج آقا صالح پرور را دیدم:

سلام حاج آقا، متن پایان نامه روبراتون فرستادم. مطالعه فرمودین؟

سلام علیکم. بله. فردا بعد از نماز صبح بیاتا باهم حرف بزنیم. خیلی تعجب کردم؛ آخر، بعد از نماز صبح خیلی برایم سخت بود بیدار بمانم!

حاج آقا، نمی شه یه وقت دیگه، مثلاً ظهر یا بعد از نماز مغرب و عشا بیام؟

-لبخندی زد.

فقط همین زمان رو خالی دارم.

- دنبال راهی بودم که حاج آقا را منصرف کنم؛ ولی انگار تنها راهش همین بود. با سختی زیاد، صبح بیدار شدم و به مسجد رفتم. دیدم حاج آقا نماز خوانده و سرحال منتظر نشسته. همان ابتدای کار پرسید:
- می‌خوای با این مدرک سرکار بری؟
- بله. خیلی هم به نمزهش نیاز دارم.
- پس چرابعضی از جاهای پایان نامهت رو از جایی دیگه کپی کردی و نگفتی از کجاست؟!
- واقعیتش، فکر نمی‌کردم اون قدر اهمیت داشته باشه؛ چون مقدار کپی شده کمتر از یک بند بود.
- جدای از اینکه از نظر علمی سطح پایان نامه پایین می‌آد، این کار از نظر شرعی هم اشکال داره! حتی چون مدرک گرفتن شما نیازمند این پایان نامهست و می‌خوای با این مدرک جایی استخدام بشی، درآمدی که بعد از استخدام شدن به دست می‌آری، اگه تخصص لازم رو نداشته باشی، از نظر شرعی مشکل داره.^۱
- حاج آقا، من شنیده‌م کسی که در امتحاناتش تقلب کنه، این جوریهست.
- بله، تقلب حرامه.^۲ درواقع، تقلب نوعی دروغ به حساب می‌آد و اکثر مردم این مطلب رو متوجه نیستن.



می‌شد و گفت و گو می‌کردیم و هرروز روند پایان‌نامه با سرعت بیشتری جلو می‌رفت. بعد از مدتی، با نمره‌ی عالی از پایان‌نامه‌ام دفاع کردم.

در این مدت، اتفاق بزرگ در زندگی‌ام افتاد: تمام افکار و اعمالم چند پله رشد کرده بود. دلیلش هم نشینی با حاج‌آقا و شیوه‌ی رفتارشان بود. اینجا بود که فهمیدم چرا حاج‌آقا در مدت یک ترم فقط یک دانشجو در هر مقطع لیسانس و فوق‌لیسانس می‌پذیرد:

وی در کنار راهنمایی علمی، هدف

اصلی طلبگی خودش را که تربیت

انسان است، انجام می‌دهد.

ادامه دارد...

متأسفانه قانون کپی‌برداری نرم‌افزار و مطالب و... در کشور ما رعایت نمی‌شود و این فقط مربوط به تقلب هم نیست. من بارها شده برای درس‌های اصلی و مهم تحقیق یا مقاله‌ی کلاسی دادم و برای همان تحقیق نمره‌ی خاصی مشخص کردم که به نمره‌ی پایانی اضافه کنم. متأسفانه بدون اینکه دقت شود، بعضی از مطالبش را از جایی دیگر بدون آدرس نوشته یا به دیگری داده تا برایش آماده کند. این کار چون سرقت علمی و دروغ‌گویی هست، عمل حرامی محسوب می‌شود.

آن روز، تمام صحبت‌ها به این مسائل ختم شد و من تقریباً پایان‌نامه‌ام را از اول شروع کردم.

کار را که به صورت جدی شروع کردیم، رابطه‌ام هرروز با حاج‌آقا صمیمی‌تر می‌شد؛ تا اینکه رابطه فراتر از رابطه‌ی استاد و شاگردی شد و جدای از مطالب مربوط به پایان‌نامه، مباحث دیگری هم با حاج‌آقا مطرح

پی‌نوشت

۱. رک: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری علیه‌السلام :

<https://www.leader.ir/fa/book/15575n-22874>

ذیل سوال‌های ۱۹۰ و ۱۹۳.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری علیه‌السلام (نوجوان):

<https://nojavani.khamehni.ir/showContent?cty=10542>



تأثیر افکار و حالات افراد بر غذا

سه ضروریه ۹

اکرم کاوری - دانش آموخته‌ی دوره طب ایرانی - اسلامی

کشورها، مانند چین و کره، بسیار مؤگد و ضروری است و گاهی داوران بسیار حرفه‌ای با خوردن خوراک و غذای شرکت‌کنندگان درمی‌یابند که فرمول و اجزا و روش تهیه خوراک بدون ایراد بوده، اما آن خوراک روح ندارد یا روحش مشووش و آشفته است. بدون شک، حالات مختلف، مانند افکار پاک و ناپاک، عصبانیت، غم و شادی در حین پختن خوراک و غذا، اثر مستقیم بر آن دارد. اسلام تأکید کرده که با حیوانی که قرار

حالت‌های مختلف آشپز و گردآورنده غذا و خوراک، تأثیر مستقیم بر طعم، مزه، خاصیت و آثار جسمی، روحی و معنوی آن دارد. از این رو، حتی نان و غذای آماده‌ای که از بیرون می‌خریم، بر خلق و خوی ما تأثیر می‌گذارد. گاهی دلیل دعوا و اختلاف خانوادگی یا پرخاشگری فرزندان مشخص نمی‌شود. مطلوب بودن حالات روحی، فکری و معنوی گردآورنده خوراک در آشپزی حرفه‌ای و قواعد آنان در برخی

خصوصیاتی مثل بی‌غیرتی به انسان منتقل نشود.^۲

کسی که زیاد گوشت مرغ می‌خورد، ریزبین و ایرادگیر می‌شود. گوشت خروس بهتر از گوشت مرغ است؛ چون خروس غیرتمند و عیال‌دوست است و اگر غذایی به دست آورد، به مرغ‌ها هم می‌دهد.^۳ اما ارزش غذایی گوشت مرغ، بسته به غذایی است که می‌خورد. گوشت مرغ سیاه از مرغ سفید گرم‌تر است. تخم مرغ نیز چنین است؛ یعنی هرچه زرده تخم مرغ پررنگ‌تر باشد، گرمی‌اش نیز بیشتر است. تخم مرغ محلی معتدل است.

است قربانی شود، با ملایمت رفتار شود، به آن آب داده شود، شبانگاه و نیز جلو چشم حیوانات در صف قربانی شدن ذبح نشود. این‌گونه حیوان‌آزاری که به شدت نیز نهی شده است، موجب اثرگذاری ظاهری و باطنی بر گوشت حیوان می‌شود و انسان وقتی این گوشت را به عنوان غذا می‌خورد، همان اثر به او منتقل می‌شود. خصوصیات معنوی حیوان هم به انسان منتقل می‌شود؛ مثلاً خوردن گوشت شتر باعث بردباری می‌شود و سبب حرام بودن خوردن گوشت خوک نیز این است که



و آثار جسمی و روحی اش را بر خود و اعضای خانواده ببینید.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: غذا را خوب درست می‌کنیم و مواد بیشتر و خوش‌مزه‌کننده، مانند ادویه، به آن اضافه می‌کنیم؛ ولی عطرو بوی غذای عروسی را نمی‌دهد. چرا؟ امام علیه السلام فرمودند: «در غذای عروسی عطری از بهشت می‌وزد؛ زیرا غذایی است که برای امر حلالی درست شده است.»^۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «اگر سوره مبارکه قریش بر طعامی که خوف ضرر دارد، خوانده شود، با توکل و بهیاری خدا، زیانش برطرف می‌شود و خورنده آن هیچ آزاری از آن غذای نمی‌بیند.»^۸

آثار وضعی، جسمی و روحی روانی خوراک بر انسان

خوردن مداوم خوراک سرد، در جسم و جان موجب سردی می‌شود و مزاج جسمی و روحی را به سمت سردی می‌برد. با استمرار

در بین گوشت‌ها گوشت شتر مرغ گرم است؛ اما خشک نیست. گرم‌ترین گوشت‌ها گوشت گنجشک است و بعد از آن کبوتر، بعد بلدرچین و بعد بوقلمون. در غذاهای دریایی، گرم‌ترین آن‌ها میگو است. ماهی‌های دریاهای جنوب گرم‌تر از دریای شمال است. همه ماهی‌های پرورشی از نظر مزاجی سرد هستند.^۵

خواندن برخی سوره‌ها هنگام طبخ غذا تأکید شده است و موجب برکت غذا می‌شود، مثل خواندن آیت الکرسی و سوره تکاثر (برای خوش‌مزه شدن و برکت در غذا و بی‌نقصی غذا). یا وضو گرفتن قبل از طبخ غذا و هدیه آن غذا به نیت یکی از ائمه معصومین علیهم السلام موجب برکت و لذیذ شدن و قطعاً آثار معنوی فراوان بر غذا خواهد شد.^۹ مثلاً

روز اول بگویند: امروز این غذا را به نیت حضرت فاطمه علیها السلام می‌پزم. این روش را اگر تاکنون انجام نداده‌اید، امتحان کنید

و افراط مصرف خوراکی‌های سرد مانند عدس، ترشیجات و خُرفه، توان جسمی فرد کاهش می‌یابد، کنش‌ها و واکنش‌های جسمی و سرعت حرکات و گویش او کم و تنبلی بر بدنش حاکم می‌شود و افکار منفی و سرد، مانند وسواس، شک، ترس، عدم اعتماد به نفس، ضعف قوای عاطفه و حافظه، بر او حاکم می‌شود.

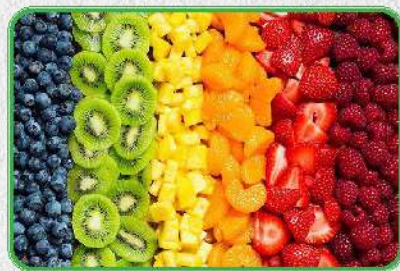
همچنین استمرار مصرف خوراکی گرم مانند خرما، گوشت شتر، دارچین و زعفران، موجب ظهور عوارض جسمی و روحی روانی می‌شود. مصرف مداوم و زیاد خوراکی‌های گرم باعث ازدیاد فشارخون، لاغری مفرط، ایجاد جوش و آکنه‌های پوستی، آگزاما می‌شود. همچنین به دلیل تحریک و تأثیر زیاد حرارت بر مغز (مخ و مخچه) موجب کنش‌ها و واکنش‌های تند و سریع و بالأخص عصبانیت، پرخاشگری، خوش‌بینی افراطی و در نتیجه از دست دادن قوا و انرژی می‌شود.^۹

همچنین مصرف زیاد و مستمر خوراکی‌های خشک مانند آویشن، گوشت بزوزنجبیل، سبب ظهور برخی بیماری‌های خشک مانند اعصاب تحریک‌پذیر، خشکی بدن، بی‌خوابی، خشکی مفاصل و همچنین ضعف تمرکز، خشکی رفتاری و لجاجت می‌شود.

مصرف پیوسته و زیاد خوراکی‌های مرطوب مانند کاهو، خیار، هندوانه، ماهی، لبنیات و مرغ، موجب بیماری‌های جسمی و روحی مانند ضعف معده، اضافه وزن، عفونت در اندام‌های مستعد، زیادی خواب و چرت زدن، خستگی زودرس، سستی و تنبلی و بی‌خیالی حتی در انجام امور دینی می‌شود. پس در خوردن هر کدام از غذاها نباید افراط یا تفریط کرد و با رعایت مصلحت و با توجه به مزاج شخص، سن و فصل، از غذاها استفاده کرد.

خوردن سبزی خواص زیادی دارد: دارای ویتامین‌ها، فیبر، سم‌زدا و ضد سرطان

رسیده به درخت، نه میوه‌هایی که کال
چیده می‌شوند و در انبار تاریک و بدون
نور مفید خورشید رسیده می‌شوند.
میوه‌ها و محصولات گلخانه‌ای چون نور
خورشید را دریافت نمی‌کنند و اغلب در
غیر فصل برداشت می‌شوند مُضَرِّد.



است و حرکات روده را تشدید می‌کند و
مانع یبوست (مشکل رایج امروزه) است.
امام رضا علیه السلام می‌فرماید:
«سبزی‌ها و میوه‌ها وقتی می‌رسند
شفا بخش‌اند؛ به دلیل گفته خداوند
که می‌فرماید: از محصولات آن وقتی که
بار می‌دهند بخورید؛^۱ یعنی هر میوه و
سبزی در فصل خودش مفید و در غیر
فصل خودش مضر و بیماری‌زاست؛
یعنی خاصیت میوه نوبرانه بیشتر از
میوه در آخر فصلش است، آن‌هم میوه

پی‌نوشت

۱. توضیح المسائل مطابق فتوای حضرت آیت‌الله سیستانی، آداب ذبح و مکروهات آن، مسئله ۲۶۱۷ (نقل به مضمون).
۲. مجله طب اسلامی؛ <https://B2n.ir/f/49757>.
۳. مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، جوادعلی قلی‌پور، انتشارات مارینا، چ ۴۳، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۸۳.
۴. منظور مرغ محلی است؛ نه مرغ کارخانه‌ای که هیچ‌گونه تحرکی در محل پرورشش ندارد.
۵. مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، جوادعلی قلی‌پور، ص ۱۸۴.
۶. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۰؛ خواص الایات، محمدتقی نجفی، انتشارات یادمان فلسفی، ۱۳۸۵، ص ۲۰؛ راز خوش مزه شدن غذا با ذکر و ادعیه؛ <https://B2n.ir/f/85867>.
۷. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّا نَتَّخِذُ الطَّعَامَ وَنَجْعِدُهُ وَنَتَنَوَّقُ فِيهِ فَلَا يَكُونُ لَهُ رَائِحَةٌ طَعَامِ الْعُرْسِ قَالَ ذَلِكَ لِأَنَّ طَعَامَ الْعُرْسِ تَهَبُّ فِيهِ رَائِحَةُ الْجَنَّةِ لِأَنَّ طَعَامَ التَّخَدِّ لِحَالٍ» (المحاسن، احمد برقی، به تحقیق جلال‌الدین محدث، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، قم، ۱۳۷۱، ص ۱۸).
۸. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، مؤسسه بعثت، قم، چ ۱، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۷۵۹.
۹. برگرفته از جزوه کلاس سبک زندگی سالم.
۱۰. طب اسلامی؛ گنجینه تندرستی، رضا منتظر، انتشارات نسل نیکان، چ ۳، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳.

حسین وجدانی - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه - مشاور خانواده

آسیب‌های فضای مجازی را بشناس (روابط اعضای خانواده ۲)



گسترش فضای مجازی در روابط بین فرزندان و والدین تغییراتی به وجود آورده است. از جمله: کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی، کاهش ارتباط والدین با فرزند، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و... که در این یادداشت به بیان برخی دیگر می‌پردازیم.



کاهش روابط واقعی

شبکه‌های اجتماعی مجازی افراد را از تعاملات رودررود در محیط‌های واقعی محروم می‌کنند. همین مسئله باعث کسب تجربه به‌طور مصنوعی می‌شود که در نتیجه، درک نادرست از بعضی از رویدادهای فیزیکی و اجتماعی و دیدی ظاهری و سطحی از محیط واقعی را در پی دارد! «به نظر می‌رسد فضای سایبرنتیک با به انزوا کشیدن فرزندان، موجب کاهش

فرزندان و والدین نیازمند ارتباط حقیقی و واقعی باهم هستند؛ اما والدین به این امر توجه لازم را ندارند. کودکان کم سن و سال، به تنهایی رها می‌شوند و از سوی دیگر فرزندان بزرگ‌سال، اکثر اوقات خود را در صفحات مجازی می‌گذرانند و نسبت به ارتباط واقعی با والدین بی‌توجه می‌شوند.

ارتباط میان اعضای خانواده می‌شود که این امر در نهایت اسباب تضعیف هویت خانوادگی آنان را فراهم می‌آورد.^۲ بدبختی، انزوای اجتماعی، تنهایی، دوری از خانواده و به‌طور کلی، کاهش سلامت روانی می‌شود.^۵

همچنین، بر اساس نتایج تحقیقات: «استفادهٔ بیش‌تر از اینترنت، با کاهش روابط خانوادگی همراه است و استفاده‌کنندگان از اینترنت، بیش‌تر تنها هستند».^۳

مطالعات «آفونسو»^۴ نتایج تحقیقات بالا را تأیید می‌کند. وی خاطرنشان می‌کند: «استفاده از اینترنت سبب ایجاد احساس

برای برقراری ارتباط با دوستان، در زمان اختصاص یافته به خانواده کاهش کمی ایجاد می‌کند».^۶

«کریستوفر ساندرز» در تحقیقی نشان داد: کسانی که نسبت به دیگران کم‌تر از اینترنت استفاده می‌کنند، با مادر و دوستان خود ارتباط بیش‌تری داشتند. در این تحقیق، تنها گروه‌های کاربران زیاد و کم اینترنت مورد مقایسه قرار



گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده زیاد از اینترنت، با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است. برعکس، کاربرانی که از اینترنت کم‌تر استفاده می‌کنند، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با مادر و دوستان خود ارتباط بیشتری دارند.^۶

بحث کرده، نظرات همدیگر را جویا شوند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گراییده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف، زندگی را از دیدگاه خود نگریسته، آن را مطابق با بینش خود تفسیر می‌کنند.



شکاف بین نسل‌ها

اینترنت، شکاف میان نسل‌ها را بیش‌تر کرده، اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقه‌مند به اینترنت آشکار شده است، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک زبان دیگری را نمی‌فهمند. امروزه با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، شاهد آنیم که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آن‌که حرفی باهم بزنند. امروزه کم‌تر خانواده‌هایی را سراغ داریم که والدین و فرزندان دورهم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری باهم

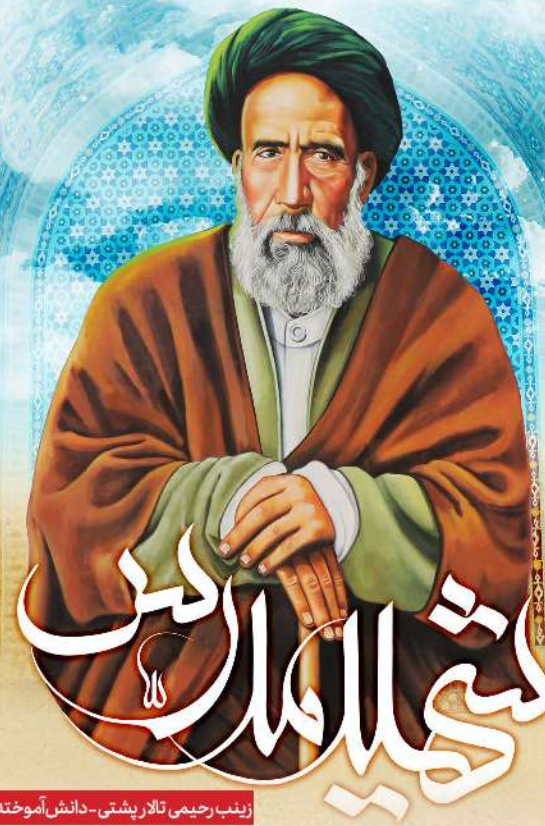
با این‌که والدین و فرزندان در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند؛ اما فرزندان در مقایسه با والدین اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند. عوامل متعددی بر این پدیده تأثیرگذارند و این شکاف را روزبه‌روز بیش‌تر می‌کنند؛ سرعت تحولات، بسط ارتباطات با جهان توسعه‌یافته، توجه بیش‌تر جوانان به برنامه‌های

جهانی شدن فرهنگ، رسانه‌ها، گسترش روزافزون انجمن‌ها و کانون‌هایی غیر از کانون خانواده برای پیوستن و تعلق یافتن جوانان به آن‌ها و... از آن جمله است.^۸ شواهد تجربی نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت با افزایش تعارضات بین والدین و فرزندان رابطه‌ای مستقیم دارد. این موضوع در مطالعاتی که اثر اینترنت و تعارضات رشدی، همچون نمرات درسی و کارهای خانه را بررسی کرده‌اند، تأیید شده اشاره کرد.

است. شواهدی وجود دارد که منشأ این تعارضات ممکن است از ارتباطات آنلاین نشئت گرفته باشد: «میزان تعارضات در خانواده‌هایی که فرزندانشان دوستان آنلاین دارند، بیش‌تر است. این دوستان چالش جدیدی برای مرزهای خانواده به وجود می‌آورند.»^۹ که ازجمله آن‌ها می‌توان به کاهش سطح گفتگو و همدلی و به‌طور کلی، روابط بین اعضای خانواده اشاره کرد.

پی‌نوشت

۱. آسیب‌شناسی نظام خانواده در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، مجتبی سلم‌آبادی و دیگران، اولین همایش علمی- پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، ۱۳۹۳ش، ص ۵.
۲. هویت خانوادگی و تعامل در فضای سایبرنتیک، بهزاد دوران، مجله زبان و ادبیات فارسی، سال دوازدهم، ش ۴۴، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۵.
۳. اینترنت و جامعه، ترجمه: عباس گلیگوری، انتشارات کتابدار، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۱۵۲.
۴. Affonoso.
۵. تهدیدها و آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی و جرائم اینترنتی بر نوجوانان ارائه راهکارها، فرهنگ افراسیابی، مجله مطالعات حقوق، ش ۱۷، زمستان ۱۳۹۶، ص ۷.
۶. "Children's Internet use in a Family Context: Influence on Family Relationships and Paternal Mediation". Lee & Chae, (2007). Cyber Psychology and Behavior, Vol. 10, No. 2, p. 642.
۷. اینترنت و روابط خانوادگی، عزیزالله آقابابایی، نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید، ۱۳۹۱ش، ص ۷.
۸. عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی شهر خلخال)، محمد رحیمی، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹.
۹. بررسی اثرات اینترنت بر خانواده‌های ایرانی دارای فرزند نوجوان، اسماعیل سعدی‌پور، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم، ش ۷۶، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۶۶.



زینب رحیمی تالار پشتی - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

مجلس نشین بی تعارف

تازه از راه رسیده بودم که چشمم به آشنای
درباری مان افتاد. می دانستم او واسطه
کدام وزیر است. آقا چهارزانو نشسته
بود و اخمی درهم کرده بود؛ دور و برش
مراجعه کننده هامی رفتند و می آمدند؛ مثل
همیشه جلوی درباری ها و اطرافیانشان
حفظ ابهت می کرد.

سلام کردم و جواب گرفتم. همین که
نشستم، نوبت آن آشنایمان شد. جلو آمد؛
یک بسته کاغذ که آورده بود را جلو گذاشت و
آرام به طرف پدرم سرداد. که مثلاً تقدیم کند.
جناب وزیر این کاغذ رو فرستادند
که حضرت آقا مطالب خودشون رو روی
اون بنویسند.

آقا خیره حرف و رفتارشان بودند و بعد از لحظه‌ای رو به من کردند:

عبدالباقی! چند ورق از اون کاغذهای مرغوب خودت رو بیا.

از جا بلند شدم و سراغ کاغذهایی که برای دانشگاهم از آنها استفاده می‌کردم، رفتم. ماجرای این کاغذها را می‌دانستم.

آقا نامه و توصیه‌هایی که برای وزرا و رؤسا می‌فرستادند، روی کاغذ پاکت تنباکو یا کاغذهای دورقند می‌نوشتند.

بسته‌ای از آن را خدمت آقا آوردم و جلوی ایشان گذاشتم.

پدرم رو به آن مرد، اشاره به برگه‌های روبه‌رویشان کردند:

اون بسته کاغذ وزیر رو بردار، این بسته کاغذ ما رو هم بذار روش.

مرد که روحیات آقا را می‌شناخت، فقط اطاعت کرد. آقا از کنار دستشان کاغذ قندی برداشتند و شروع به نوشتن کردند:

"جناب وزیر! کاغذ فراوان است، ولی لیاقت تو بیشتر از این کاغذی که روی آن می‌نویسم، نیست."^۱

او کسی بود که رضاخان و وزرای معلوم‌الحالش از واکنش‌های شجاعانه و جواب‌های زگ‌وبی تعارفش درامان نبودند.

تاریخ دوره دوم تا ششم مجلسی مشروطه نشان می‌دهد این سید، در منصب نمایندگی مردم، چه ایستادگی‌ها که نکرده است.

تاریخ به یاد دارد گاهی آن قدر تنها و نترس پای دفاع از حریم و استقلال کشور ایستاد که درباریان را به حرص و ترس واداشت.

تاریخ درباره مردی که در جوانی مجتهد شد، نوشته است که چگونه استعمار و استعمارگران را می‌شناخت و چگونه از عواقب همراهی با آنها هشدار می‌داد.

یک نمونه آن را هم همان پسرشان دکتر عبد الباقی مُدرّس نقل می‌کنند که بعد از تبعید ایشان به خواف برای ملاقات رفته بودند و از راه رهایی پرسیدند. که آیت‌الله مدرس جواب دادند:

محبوبیت و جذبۀ سید باعث سربلندی دو افسر دولتش شد و در نهایت دستور اجرا شد. مسمومیت و بعد خفه کردن آن مجاهد مقتدر.

توصیف ملک الشعرا بهار از شهید مدرس:

یکی از شخصیت‌های بزرگ ایران که از فتنۀ مغول به بعد نظیرش به آن کیفیت و



چرا؛ خیلی هم آسونه. همین یک ماه پیش رضاخان پیغام فرستاد که توی سیاست دخالت نکنم و برم عتبات ساکن بشم. بهش جواب فرستادم که وظیفۀ من دخالت توی سیاست. جای من خوبه؛ خوش می‌گذره اما توروانگلیسی‌هایه روزیه گوشه پرت می‌کنن. اگه اون موقع تونسستی بیا همین جا. هر چی نباشه از تبعیدگاه‌های خارج بهتره. گفتم بهش بگن من می‌دونم توی وطنم به قتل می‌رسم ولی تو توی سرزمین بیگانه می‌میری.^۲ حرف آقا آنجا عیان شد که تبعید و تبعید و تبعید نتیجه نداد و آن قدر عرصه بر شاه خودباخته و استعمار خواه تنگ شد و دستور قتل عالم بزرگ شیعه را صادر کرد.

■ نام شهید: سید حسن طباطبایی زواره مشهور به مدرس

■ تولد: سال ۱۲۴۹ هـ ش

■ محل تولد: زواره از توابع شهرستان اردستان استان اصفهان

■ شهادت: سال ۱۳۱۶

■ محل شهادت: کاشمر

استعداد از حیث صراحت لهجه و شجاعت ادبی و ویژگی‌های فنی در علم سیاست و خطابه و امور اجتماعی دیده نشده، سید حسن مُدّرس اعلی‌الله مقامه است. در مُدّرس جنبه فنی و صنعتی و هنری بود که او را ممتاز کرده بود. علاوه بر اینکه از جنبه علمی و تقدیس و پاک‌دامنی و هوش و فکر نیز دست‌کمی از هیچ‌کس نداشت و سرآمد تمام این خصال، سادگی و بساطت و شهامت آن مرحوم بود و مهم‌تر از همه، از خودگذشتگی و فداکاری او بود که در آخدی دیده نشده است. مُدّرس به تمام معنی عالمی فقیر بود؛ همان فقری که عین بی‌نیازی و توانگری و عظمت او بود. پاک و راست و شجاع بود. او با خرافات دشمن بود. با اصلاحات تازه و نو همراه. بالجمله یکی از عجایب عصر خود شمرده می‌شد.

مُدّرس مجتهد مسلم بود، فقیه و اصولی بزرگی بود. به تاریخ و منطق و کلام آشنا

و در سخنرانی و خطابه در عهد خود هم‌تا نداشت؛ عوام فریب نبود و غرور پاک‌دامنی و ثبات عقیده در او بی‌اندازه قوی بود، لذا هیچ‌گاه در صدد دفاع از خود در برابر حمله‌ها و تهمت‌هایی که به او زده می‌شد، بر نمی‌آمد. همچنین هتاک و بی‌نزاکت و مفتری نبود. حقایق در افکارش بیشتر متمرکز بود تا ظاهر سازی و مردم‌فریبی. یکی از اسرار موفقیت‌های او در خطابه نیز همین معنی بود. کینه‌جویی در آن مرحوم وجود نداشت. به اندک پوزشی از دشمنان گذشت می‌کرد و از آن‌ها به جزئی احتمال فایده عمومی، حمایت می‌نمود و احساسات را در سیاست دخالت نمی‌داد.^۳

پی‌نوشت

۱. حکایت مرد تنها، حمیدرضا شاه آبادی، انتشارات سورۀ مهر، ۱۳۹۰ ش.
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، آذرا، ۱۴۰۱؛ <https://irna.ir/xjLYzw>
۳. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۶۸۸۳، سه‌شنبه.



خاطرات یک مشاور ۳

محمدحسین قدیری - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس ارشد روانشناسی

خودمهارگری در خشم

دوچرخه سواری، دو، کشتی، تنیس، فوتبال و...؛ ادعا می‌کرد دستی بر آتش دارد، تا این‌که مشاجرات او و همسرش زیاد شد. اصرار می‌کرد که شما مشاور ما باش؛ چون قبولت داریم. به او گفتم: طبق قواعد روانشناسی، نباید مشاور از اقوام و نزدیکان باشد. یکی از دلایلیش این است که به‌طور طبیعی هنگام جراحی و پانسمان زخم‌های روانی در مشاوره، رازهایی باز

مولوی می‌گوید: «مرد احوال گردد از میلان و خشم»؛ یعنی هر کس که اسیر خشم و هوای نفس شود، دیده باطنی‌اش مختل می‌شود و واقعیت را نمی‌بیند و نامیزان و گرفتار می‌شود و نیز:

خشم و شهوت مرد را احوال کند

ز استقامت روح را مُبَدَل کند

همیشه وقتی سخن از ورزش به میان می‌آمد، از میان رشته‌های ورزشی

می‌شود و بعد از جلسه ممکن است روابط خانوایی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

افراد از مواجهه با آن مشاور فراری شوند. اما از آنجا که نهال مشکلاتشان در حال

تبدیل به درخت تنومندی بود، تصمیم گرفتم وارد میدان شده، بعد از یکی دو

جلسه آن‌ها را به مشاوره امین ارجاع دهم. در جلسات ابتدایی، وقتی خانمش

حرفی می‌زد، به جای اینکه جواب دهد یا از خودش دفاع کند، چنان برآشفته می‌شد

که نگو و نپرس. او را به آرامش دعوت می‌کردم؛ اما دوباره بعد از چند دقیقه

چنان با خشم و نفرت فریاد می‌کشید که انگار می‌خواهد دیوار صوتی را بشکند و

شیشه‌ها را فروبریزد. خیلی ملایم اشاره کردم که این روش

شما درست نیست؛ چرا فریاد می‌کشی و این قدر عصبی می‌شوی و با مشت روی

میز می‌زنی؟ با همان فرکانس داد زد: به خدا دست خودم نیست. چطور خودم را

کنترل کنم؟ خانمش گریه‌کنان به سمت راهرو رفت.

بعد از کمی سکوت، بلند شدم، قدمی زدم و کنارش نشستم. دستش را گرفتم

و به شوخی زیر گوشش گفتم: اگر کارفرما یا مدیرعاملتان پیش همکاران

این‌طور سرت داد بزند و بعد بگوید به خدا دست خودم نیست، قبول می‌کنی؟

یا انتظار داری خشمش را مهار کند؟ مرد حسابی! ناسلامتی ورزشکاری و مدعی

مرام پهلوانی هستی. چطور نمی‌توانی خشمت را مهار کنی؟ افرادی هستند

بسیار نحیف و لاغر؛ ولی در چنین شرایطی امیر خشم خود هستند، نه اسیر. امام

صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ بنده‌ای نیست که خشمی را فروخورد، مگر آن که

خداوند عزوجل در دنیا و آخرت بر عزت او بیفزاید.»^۲ خود را عقل کل ندانیم. لااقل

چند درصد احتمال دهیم که شاید ما هم در اختلافات مقصر هستیم. می‌گوییم

عاشق امیرالمؤمنین علیه السلام هستیم؟ ایشان می‌فرمایند: «فهم و درکتان از افراد و شرایط را زیر سؤال ببرید [و سهمی برای درک دیگران در نظر بگیرید]؛ زیرا لغزش‌ها از اعتماد کامل به آن شروع می‌شود.»^۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرمایند: «شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند.»^۴

وقت خشم و وقت شهوت مرد کو
طالب مردی دوانم کو به کو
کو درین دو حال مردی در جهان
تا فدای او کنم امروز جان^۵

بازار چه واکنشی نشان داد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله روز فتح مکه با دشمنان خود که سال‌ها او و یارانش را شکنجه کردند، در فشار اقتصادی قرار دادند، تبعید کردند و گروهی را به شهادت رساندند، چگونه برخورد کردند؟ یاران حضرت فریاد می‌زدند: «الْیَوْمَ یَوْمَ الْمَلْحَمَةِ؛ امروز، روز انتقام است.»؛ ولی ایشان فرمودند که بگویید: «الْیَوْمَ یَوْمَ الْمَرْحَمَةِ؛ امروز، روز مهربانی و ترحم است.»^۶

فضیلت کنترل خشم

شش توانمندی، منش و فضیلت انسانی است که سبب شادکامی پایدار درونی می‌شود: خرد، شجاعت، عدالت، اعتدال، انسانیت^۷ و فردی که در خشم خود مهارگری دارد و بخش مهمی از فضایل انسانی را در خود پرورش داده است.

همان‌طور که احتمال دارد ماشین‌ها در جاده‌ها و خیابان‌ها، به خصوص مکان‌های شلوغ تصادف کنند؛ در

طبق این قاعده، قوی‌ترین و شجاع‌ترین انسان‌ها در جهان، پدر و مادری هستند که کنار چوبه دار، با چشمانی پر از اشک، قاتل فرزندشان را بخشیده و گفته‌اند: به خاطر امام حسین علیه السلام گذشتم.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نبرد تن‌به‌تن، در مواجهه با گستاخی «عمرو بن عبدود» چه کرد؟ مالک اشتر هنگام توهین آن مرد در

جاده روابط، به ویژه روابط نزدیک زن و زندگی با رعایت اخلاق شیرین می‌شود.^۸ در روایات، ضمن ترغیب و جهت دادن زوجها به خویشتن‌داری، گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای یکدیگر، خیلی سفارش شده که قدرت تحمل و کنترل خشم خود را نیز بالا ببرید. به طور نمونه، اگر زن اخلاق تند شوهرش را تحمل کند، ثواب حضرت آسیه علیها السلام، یکی از چهار زن والامقام در بهشت، نصیبش می‌شود. مرد نیز با بردباری و صبر در برابر تندخویی همسرش، اجر حضرت ایوب علیه السلام را می‌برد.^۹

جاده روابط، به ویژه روابط نزدیک زن و شوهری نیز احتمال تصادف انتظارات و اختلاف نظرات وجود دارد. بنابراین، باید مهارت‌های خود را افزایش دهیم تا هنگام این‌گونه تصادفات، برای رفع مشکل، بدون دعوا و درگیری، از پلیس راهنمایی و رانندگی روابط؛ یعنی مشاوران حاذق کمک بگیریم. هر چند عمل به حقوق و وظایف مخصوص و مشترک برای زن و شوهر لازم است؛ ولی قطار زندگی بر ریل اخلاق می‌گذرد و این

پی‌نوشت

۱. احوال: دوبین و لوچ؛ مُبدل: دگرگون (مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد بلخی مولوی، دفتر اول، بخش ۱۲).
۲. «ما من غبیر کظم غیظا الا زاده الله عزوجل عزاً فی الدنیا و الآخرة». اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰.
۳. «اتَّهَمُوا عَقُولَكُمْ فَاتَّهَمُوا مِنَ النَّفْسِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَاءُ». غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۲۵۷۰.
۴. «اشجع الناس من غلب هواه». معانی الأخبار، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۹۵.
۵. مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بخش ۱۲.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰، ج ۶۶، ص ۳۷۰.
۷. ر.ک: مؤلفه‌های روانشناسی مثبت‌نگر در بوستان سعیدی براساس نظریهٔ مارتین سلیگمن، آسیه حسینی‌زاده، انتشارات صالحین، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۸. ر.ک: مثل‌های روان (تمثیل‌های روان‌شناختی و تربیتی)، محمدحسین قدیری، نشر مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۹۵ش، ص ۴۵.
۹. ر.ک: تحکیم خانواده در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری‌شهری، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹ش.

چی بخونیم؟

الهام آقا جانی - کارشناس علوم قرآن و حدیث

یادگیری مهارت‌های مهم در زندگی بر بستر خودشناسی است که در سال ۱۳۹۴ انتشار یافته و در پاییز ۱۴۰۰ توسط انتشارات مناجات به چاپ بیست و ششم رسیده است؛ تعداد چاپ بالای کتاب، فروش خوب آن را نشان می‌دهد.

معرفی اجمالی کتاب «مردان عاشق این‌گونه

زن‌اند» و برگزیده‌ای از متن کتاب:

کتاب «مردان عاشق این‌گونه زن‌اند» توسط نویسنده محترم، سرکار خانم ز. امانی تألیف شده است. این کتاب راهنما و راهگشایی برای زنان، جهت



محترم از الگوی جامع و موفق همچون حضرت زهرا علیها السلام در تدوین کتاب بهره برده و در کنار آن از علم‌روز روانشناسی نیز غافل نشده است.

به‌طور کلی کتاب پیش‌رو در سه بخش تدوین یافته که بخش اول آن فقط مربوط به خانم‌ها، بخش دوم مربوط به همسران و بخش نهایی آن نیز مربوط به فرزندان است. ضمناً در پایان هر درس نیز، نکات و اصول مهم آن، در قالب «یادآوری» و «تمرین»، برای نصب در جاهای مختلف منزل در نظر گرفته شده است. «تکالیف هفتگی» نیز بخش حائز اهمیت و جدایی‌ناپذیر کتاب و به نوعی تداوی‌کننده نقش مشارطه، مراقبه و محاسبه در زندگی همه ما انسان‌ها است.

در بخش اول کتاب مواردی همچون: پذیرش خود، مدیریت زمان، بهترین خود بودن، زندگی کردن در حال، اصل پارتو، انرژی بخشی به زندگی، رهایی

برای داشتن یک زندگی موفق، ابتدا باید نسبت به خود، جهان، هدف خلقت و بسیاری از علوم مرتبط و جزئی‌تر، علم پیدا کرد؛ بنابراین، زندگی موفق طالب علم است و با شانس و اقبال صورت نمی‌پذیرد. در این میان داشتن یک الگوی نمونه می‌تواند به سرعت و روند علم‌آموزی کمک زیادی نماید؛ دقیقاً همچو دانه‌ای که به مثابه یک الگو کاشته می‌شود و با آبیاری و رسیدگی، عمل می‌آید و ثمر می‌دهد.

محتوای کتاب:

کتاب «مردان عاشق این‌گونه زن‌اند»، سعی دارد در ۲۰۸ صفحه، با بالابردن آگاهی زنان در باب کسب آرامش، نشاط، روش صحیح زندگی کردن و... مخاطب را در خلق یک زندگی زیبا و موفق یاری‌رساند؛ در سطر سطر کتاب نگاهی عمیق، اعتقادی و مبتنی بر علوم اسلامی گنجانده شده است؛ و این بدین علت است که نویسنده

و مباحثی از این دست که حول محور خودشناسی می‌گردند جای گرفته‌اند؛ در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

در حال زندگی کنید!

چند دوست در یک مهمانی شام گرد هم جمع شده بودند؛ هر یک از آن‌ها خاطراتی از گذشته تعریف می‌کرد. یک نفر پرسید: «بهترین روز عمرتان کدام روز بوده است؟» زن و شوهری گفتند: «بهترین روز عمر ما روزی بود که باهم آشنا شدیم». زنی گفت: «بهترین روز زندگی‌ام روزی بود که نخستین فرزندم به دنیا آمد». مردی گفت: «روزی که از کارم اخراج شدم بهترین و بدترین روز عمرم بوده است؛ آن روز باعث شد که روی پای خودم بایستم و راه تازه‌ای را شروع کنم و از آن روز از هر قسمت زندگی‌ام راضی بوده‌ام». این گفتگو ادامه داشت تا اینکه نوبت به زنی رسید که تا آن هنگام ساکت بود. از او پرسیدند: «بهترین روز عمر تو چه روزی

بوده است؟» زن گفت: «بهترین روز زندگی من امروز است. زیرا امروز روزی است که بیش از همه روزها برایم ارزشمند است؛ من نمی‌توانم دیروز را به دست بیاورم و آینده هم مال من نیست؛ اما امروز مال من است تا آن را هر طوری که می‌خواهم، بگذرانم و از آنجاکه امروز تازه است و من هم زنده هستم پس بهترین روز من است و خدا را برای این روز شکر می‌کنم». حال را از دست ندهید به دلیل اینکه سرتان شلوغ است. بعداً هم برای لحظه کنونی سرتان شلوغ است و آن وقت افسوس می‌خورید که چرا اتلاف وقت کردید. اینجاست زندگی کنید. الان زندگی کنید. در این لحظه!»

موضوع بخش دوم، همسرداری است. در این بخش به نکات مهمی از جمله: مهرورزی، دلبری، پاکیزگی و خودآرایی، ایجاد تنوع، پذیرش همسر، ولایت‌پذیری، تحصیل و تشویق، اعتماد کردن، به استقبال و بدرقه رفتن، تشکر و همدلی،

استقلال دادن به همسر، آرامشگر بودن شناخت، محبت، پذیرش و دوستی با
و... اشاره شده است؛ عناوینی که هر فرزند، تشویق، آشنایی با دین و... ارائه و
یک به تنهایی نکات مهمی را دربردارند و تبیین شده است. نکاتی که عمل به هر
نمی‌توان به سادگی از آن‌ها گذشت. یک از آن‌ها می‌تواند به روابط صحیح و
در بخش نهایی نیز مطالبی همچون؛ دل‌نشینی مابین مادر و فرزند و حتی مادر
سیادت، وزارت و اطاعت، همراهی و وپدری‌بیانجامد.

سخن آخر:

«بهترین شما آن‌هایی هستند که برای همسرانشان بهترین‌اند».^۱ در اغلب خانه‌ها، انواع کتاب‌های آشپزی، شیرینی‌پزی و یا دفترچه راهنمای استفاده از وسایل الکتریکی و الکترونیکی یافت می‌شود؛ اما به ندرت پیش می‌آید که برای کسب دانش و مهارت‌های زندگی، کتاب بخوانیم؛ تفاوت میان زنان و مردان و حتی نسلی با نسلی دیگر، عدم آگاهی و ایجاد خطای شناختی، بروز مشکلات هرچند کوچک با اثرات نامطلوب فراوان، هر یک به نوبه خود نشان‌دهنده ضرورت علم‌آموزی و یادگیری مهارت‌های زندگی، برای ارتباط‌گیری بهتر و مؤثرتر زن با مرد و یا فرزندان خویش است؛ در این مسیر آگاهی‌بخش، مسلم است که یک کتاب به زیبایی هر چه تمام‌تر، می‌تواند معجزه زندگی بسیاری از زنان باشد؛ چراکه «مردان عاشق این‌گونه زنانند».

پی‌نوشت

۱. «خیزگم، خیزگم، خیزگم لیسائگم و بنائگم» مستدرک الوسائل، حاجی نوری، انتشارات موسسه آل‌البیت (ع)، لبنان، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵.



قصه‌های من و مادر بزرگ ۶

رها سلیمانیان

- میلاد حضرت زهرا علیها السلام بود و روز مادر.
- همهٔ بچه‌ها و نوه‌های مادر بزرگ، طبق معمول، جمع شدیم خونهٔ قشنگش.
- از بوی آبگوشتی که خونه رو پر کرده بود و شیرینی و میوه‌ای که برامون آماده کرده بود، معلوم بود چشم به راهمون بوده از صبح.
- هیچ کدوممون دلمون نمی‌خواست به این فکر کنیم که شاید این آخرین «روز مادر»ی باشه که کنارش هستیم و سر سفره‌ش جمع می‌شیم؛ ولی انگار تو نگاه تک تکمون این نگرانی موج می‌زد.
- کنار تختش نشسته بودیم و تمام حواسمون به لبخندش بود. داشت برامون خاطرهٔ قشنگی رو می‌گفت که بارها گفته بود؛ ولی نه او سیر می‌شد از گفتنش و نه ما سیر می‌شدیم از شنیدنش؛ خاطرهٔ اولین باری که آقاجون برده بودش حج. روز میلاد حضرت زهرا علیها السلام مدینه بودن و از بعثت مقام معظم رهبری علیه السلام به خاطر اسم قشنگش به پلاک اسم زهرا علیها السلام هدیه گرفته بود.

- می‌گفت: من تا عمر دارم، از پدر و مادرم ممنونم و برایشون خیرات می‌فرستم که اسمم رو از اسم‌های اهل بیت علیهم‌السلام انتخاب کردن.
- می‌گفت: حق فرزند بر پدر و مادرش اینه که نام خوب براش انتخاب کنن؛ چون اسم روی شخصیت و عاقبت به‌خیری آدم‌تأثیر می‌ذاره.
- و می‌خندید و می‌گفت: بیچاره بچه‌های این نسل که اسم‌های اجق و جق می‌دارن روشن و خیال می‌کنن در حق بچه‌هاشون لطف کردن.
- همیشه از این فرصت‌های کوچک استفاده می‌کرد تا به‌مون درس زندگی بده.
- گاهی اصلاً باورم نمی‌شه که مادر بزرگ مکتب نرفته و درس نخونده؛ آخه عین این حرفا رو بعدها، توی کتاب‌ها و روایت‌ها دیدم.
- انتخاب نام نیکو، از حقوق فرزند بر پدر و مادره که اگه به‌وظیفه‌شون عمل نکنن، می‌تونه اون دنیا از شون شکایت کنه.
- یادمه مادر بزرگ خیلی دوست داشت اسم قشنگش روی نوه‌هاش باشه؛ نه فقط به‌خاطر زنده‌موندن یاد خودش؛ بلکه به‌خاطر حرمت و احترامی که برای صاحب اصلی اسمش قائل بود. برای همین، منم همیشه دلم می‌خواست اسمم زهرا باشه و به‌خودم قول دادم که



**نام‌گذاری فرزندان،
مسئله مهمی که
برخی به آن توجه ندارند**

- اگه يه روز خدا بهم دختر داد، اسم مادر بزرگوار شيعه رو بذارم براش.
- اين روزا كه مادر بزرگ بينمون نيست، همهش دنبال ردپاش مي‌گردم تو زندگي هامون.
- گاهي دلم خيلي برا وجود پيريكتش تنگ مي‌شه؛ مثلاً همين چند وقت پيش، تو مراسم سالگرد مادر بزرگ، مادر تحصيل کرده يكي از دوستانم رو ديدم كه داشت دختر اش رو تشويق مي‌كرد اسم مثلاً باكلاس و امروزي برا بچه هاشون بذارن. مي‌گفت: اين اسم ها ديگه قديمي شده و اين حق بچه ست كه تو جامعه سرش رو بالا بگيره.
- كارد مي‌زدي، خونم درنمي‌اومد؛ انگار به در مي‌گفت ديوار بشنوه.
- دلم مي‌خواست بگم: حواست هست كجا نشستي و اسم مادر شهيدى كه اومدى تو مراسمش چيه؟
- نمى بينى سربلندى شو؟
- نه فقط اسمش كه رسم زندگى ش هم زهرايى بود. هم خودش با افتخار زندگى كرد هم باعث افتخار و سربلندى همه مونه.
- همهش دارم فكر مي‌كنم چه بلايى سرمون اومده كه اين همه درس مي‌خونيم، ولى هي غافل تر مي‌شيم از اصول زندگى و كمتر عمل مي‌كنيم به اونچه خدا مهربانانه امر كرده بهش.
- درحالى كه، به قول مادر بزرگ، خدا زيباترينه و زيبايى رو دوست داره؛ پس هرچي آفريده و بهش امر كرده، زيبنده ترينه برامون.



در سرزمین عجایب ۴

عین دخترای چهارده ساله

زینب رحیمی تالار پشתי - دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

آخرین دسته سبزی‌های پاک‌شده را داخل لگن ریختم و از جا بلند شدم تا شروع به شستن کنم. همین‌که خواستم کمرم را صاف کنم، ستون فقراتم تقی صدا داد و درد طوری پیچید که نفسم را بند آورد. خانم‌های دوروبرم که در حیاط مسجد جمع شده بودند، با ناله‌ام دورم را گرفتند. هرکدام حرفی می‌زد:

«وای خانم آقا! چی شده؟!»

«بلا به دور! بیا بشین بگو چی شده!»

«خدا مرگم بده. از صبح عین دخترای چهارده‌ساله هی داری بدوبدو می‌کنی. تو چشمی دیگه. چشمت کرده‌ن.»

راست می‌گه‌ها! بذار برم اسپند بیارم واسه‌ت دود کنم. تا پارسال کسی نمی‌فهمید فاطمیه کی می‌آد و کی می‌ره. امسال ماشاءالله به جون خودت و حاج‌آقا، مردم و تاشام مراسم‌م راه انداختین.

- کمی نفس جابه‌جا کردم تا بتوانم حرف بزنم بلکه ادامه ندهند. از کمر تا گردنم کامل گرفته بود. خواستم قدم بردارم که دردش چندبرابر شد. بی‌خیالی راه رفتن شدم. از آخرین کارشناس تحلیلیگر (!) کنارم، قبل از اسپندآوردن، خواستم کیفم را بدهد. با هادی تماس گرفتم. سریع‌تر از آنچه فکر می‌کردم خودش را رساند.

چشمم که به مسیر آمدنش افتاد، تازه چشم غُرّه پُروپیمانی هم به هادی رفت. نکرده که «بشمار ۳» آمده.

قبل از آنکه بگویم چه شده، خانم‌های فعال در صحنه شرح‌حالی تخصصی‌تر از یک پرستار کارکنسته گفتند. چشمم گرد شد. آخر، من که هنوز تکانی به انگشت پایم نداده بودم، آرزو خانم از کجا فهمیده بود رگ سیاتیکم بالا زده و نمی‌توانم انگشتم را تکان بدهم؟! هادی، کلافه از دُرّ و گهرهای تخصصی اطرافیان، زیر بازویم را گرفت.

می‌تونی راه بری یا برم ماشین بیارم؟ نیره خانم جفت پا پرید بین حرفی

نزده‌ام. چشم غُرّه پُروپیمانی هم به هادی رفت. وا حاج آقا! پرسیدن داره؟ کمرش قفله خب. چه جوری بیاد بدبخت؟ خداوکیلی بدبخت نبودم که به‌مدد همسایه‌ها شدم. هادی قبل از آنکه از مصدوم چیزی بپرسد، رفت و ماشین را داخل مسجد آورد و کمک کرد سوار شوم. بهتر از من این متخصص‌ها را می‌شناخت. اگر این کار را نمی‌کرد، به‌عنوان متهم ردیف‌اول زن‌ستیزی برایش پرونده تشکیل می‌دادند. به درمانگاه رفتیم و بعد از نوش جان کردن چند آمپول فلج‌کننده و کلی توصیه به استراحت و باقی مخلفات، راهی خانه شدیم. البته هادی جورپاهای چُلاق شده‌ام را کشید و نقش عصا را اجرا کرد. به خانه که رسیدیم، بچه‌ها از مدرسه برگشته بودند و عین مادرمرده‌ها به سروکله هم می‌زدند تا ناهاری بکشند



و بخورند. دیگر نپرسیدم کی و چطور
سمانه خانم علی را پس فرستاده بود.
مانده بودم اصلاً چرا اصرار کرد که او را
ببرد و مراقبش باشد!

هنوز روی تشکی که هادی گوشه سالن
انداخته بود جاگیر نشده بودم که صدای
در بلند شد. تندتند می زدند. بچه ها
ترسیدند. احمد که در را باز کرد، زهره خانم
آن را هل داد و به ضرب وارد شد. به آن
آتش فشان داخل دستش نگاه کردم.
اندازه آتش نمرود دود و آتش به خانه
آورد. هادی سریع زهرا را به اتاق برد تا

سرگرمش کند. طفلکم آلرژی داشت و
دود حالش را خراب می کرد. زهره خانم
نزدیکم که شد، فوتی از عمق جانش به
اسپنددودکن کرد. آتش خاموش شد و
دیگر فقط و فقط دود بود. چشم چشم
را نمی دید. با شدت و غلظت صلوات
می فرستاد و دود را با دستش به طرفم
هدایت می کرد.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.
بترکه چشم حسود و بخیل. ببین خواهر
مانشستیم فکر کردیم دیدیم کی ممکنه
چشمت کرده باشه.



احمد که دید بر اثر دود دارم دچار خفگی می‌شوم، جلو آمد و به ترفند و کلکی اسپندد و دکن را گرفت به حیاط برد.

آخرش فهمیدیم کار کارِ مهتابه؛

همون خانم چشم‌رنگی که صبح اومد خسته نباشید گفت و رفت. این قدر چشمش شوره که نکو! هر جا اون باشه، یکی یه چیزی‌ش می‌شه. اصلاً بیا واسه ت تخم مرغ بشکنم ببین حق با ماست یا نه. چشم چرخاندم. دنبال هادی می‌گشتم که نجاتم دهد. تازه یادم آمد که در اتاق است.

زهره خانم، درست نیست واسه مردم حرف درمی‌آرینا!

دستش را در هوا تکان داد و سر چرخاند.

ولمون کن خانم آقا! همه‌ش آدم خوبه بازی درمی‌آری!

سرش را طرف آشپزخانه کرد و فاطمه را که با احمد مشغول جمع کردن سفره بود، صدا زد:

بچه! یه تخم مرغ سالم، یه تیکه

زغال با دو تا سکه بیار تا این نظرو از مادرت برگردونم.

فاطمه گیج و منگ نگاهش کرد و «هان» ی گفت.

بی خیال شو بنده خدا. من مهره کرم مشکل داشت. نباید اون قدر روی پاهام می‌نشستم. «خودکرده را تدبیر نیست.» چرا گیر به این اون و تخم مرغ بیچاره می‌دین؟ چی شده که اومدن یه آدم به فکرتون اومد ولی بد نشستن منو ندیدین؟

جلوی چادرش را جمع کرد و از جا بلند شد. به ضربِ دو برابر آمدنش بلند شد و رفت و فقط دود از او به جا ماند. در راه کلی هم غر به بی‌اعتقادی ام زد.

حیف که مهره‌هایم زبان نمی‌فهمیدند.

من درست نشستن بلد نبودم؛ وگرنه چشم زخم و مهتاب خانم دلیل خوبی برای

گرفتگی ستون فقراتم به حساب می‌آمد.

ادامه دارد...



سکوت، آتش، حرکت

معصومه باقری ثالث - کارشناس علوم قرآن و حدیث

دستانش را به هم کوبید: ساکت!

کلاس در سکوت فرونشست. عاشق

این انتظار موجود در چشم‌های بچه‌ها

بود. هر وقت از بچه‌ها خواسته بود حرف

نزنند، درحقیقت، برای حرف‌زدن‌هایشان

موضوع بهتری داشت. وسط کلاس

روبه‌روی تخته ایستاد و دست‌هایش را

روی سینه قفل کرد. درونش غوغایی به

پا شده بود. بحث از آن بحث‌هایی بود

که هم باید گفته می‌شد و هم نباید گفته

می‌شد! این تناقض، فکر خودش را هم

آزار می‌داد. به ذهنش رسید که همین

تناقض آزاردهنده را برای بچه‌ها حل کند.

با خودش گفت: «عرف می‌گوید حرفش

را هم نزن! "جیزه" چون فرهنگ ایرانی

فرهنگی است که اگر حرم‌سرا هم درست

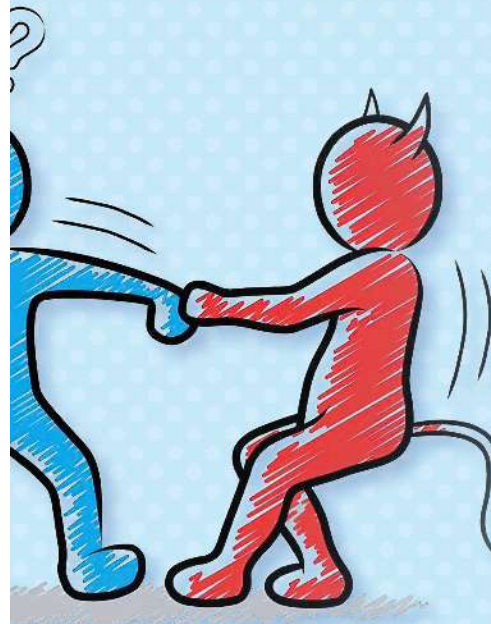
می‌کند، جلّوش یک پرده مخمل می‌کشد.

فرهنگ غربی می‌گوید: هرچه پرده هست

پدرا! چون به عقیده فریوید، هر بلایی بر سر

روان عزیز تو آمده، به علت همین قانون‌ها

ومحدودیت‌هاست!»



خواست برای بچه‌ها از اسلام بگویند که قرآن صریح اشاره کرده است که در این مسائل را به روی بچه‌ها ببند و به او یاد بده که در بزند؛ یعنی اسلام ورود بدون اجازه بزرگ‌تر و راهنما را به این وادی جایز نمی‌داند؛ زیرا آشفتگی چشمان سرخ محمدرضا جُلُو چشمانش یک پرده خون کشیده بود. می‌توانست از تن تبار این نوجوان طفلِ معصوم حدس بزند که دیشب قربانی جنایتِ دو آدم بی‌خیال، به اسم پدر و مادر شده است! شاید می‌توانستند با بستن در اتاقشان، این بچه بیچاره را به این روز نیندازند. مصمم‌تر شده بود. آری، باید حتماً حرفی می‌زد تا حرفش آبی باشد بر آتشی که مدت‌ها در سینه بچه‌ها ذره‌ذره تقوا و تحملشان را آب می‌کرد و قطره‌قطره از چشمانشان بیرون می‌ریخت؛ درست همان جایی که در کنج خلوتِ خودشان آهنگ غمگینی می‌گذاشتند و زار می‌زدند.

آه! راستی کلمات گاهی شراره می‌شدند. از کجا معلوم صحبت‌هایش آب بود و آتش نبود؟ اصلاً باید برای بچه‌ها می‌گفت که همه چیز را نشنوند، پای صحبت هر رفیق نارفیقی ننشینند و در دهان هر خواننده معلوم‌الحالی را به دل‌های کنج‌کاو و آماده خودشان باز نکنند. خودش داشت به چشم می‌دید که هندزفری‌های بچه‌ها دور گردنشان پیچ خورده و دارند خفه می‌شوند

تصویرگریه و نیمه‌پوشیده‌زنی که صبح در
نانوایی دیده بود، خواست در چشمش
دوباره رنگ بگیرد که سریع زیر لب گفت:
«نه! نه! باید از لزوم توسل برای بچه‌ها
بگویم. بگویم جامعه‌طوری شده که از کنار
برخی آدم‌ها که رد می‌شوی، باید بگویی:
"یا ابا الفضل علیه السلام!" وگرنه تیری از تیرهای
زهرآگین شیطان در چشمان زلال و پاکت
خواهد نشست.»

دلش به درد آمد. اوضاع طوری شده
بود که این طفلک‌ها پایشان را از خانه
که بیرون می‌گذاشتند، تا وقتی که به
خانه برمی‌گشتند، باید مدام زیر لب ذکر
می‌گفتند! نمی‌شد. باید چیزی برای بچه‌ها
می‌گفت. حتی اگر شده، یک قدم باید
بچه‌ها را از ته این چاه کلافگی بالا می‌کشید!
بچه‌ها پیشروهای آینده بودند. باید
برای این مردهای آینده کشورش از
غیرت می‌گفت. نه! نه! نمی‌شد! آزادی
بی‌قیدوبندی که لقلقه‌ زبان دختران



و هرچه بیشتر به خود می‌پیچند، این
«آهنگ‌های ناهماهنگ با فطرت» بیشتر
و بیشتر راه نفس را برایشان تنگ می‌کند.
واقعاً باید بچه‌ها چه می‌کردند؟
باید برایشان از راه‌های خودکنترلی می‌گفت.
باید برایشان از کنترل چشم می‌گفت. باید
می‌گفت: «جنس ما می‌تواند با یک نگاه،
کمال بدجنسی را در حق خودش و بازهم
خودش روا بدارد!»

سرزمینش شده بود، داشت دست
می انداخت گلوی غیرت همسر و پدر و
برادرانشان را می بُرید و بالای سر جنازه
غرق به خون مردانگی شان قهقهه
سرمی داد: «دیگر عصر محدودیت های زن
گذشته است!» و درست همان جاروسری
دخترکان از سرشان می افتاد و به دور
پاهایشان می پیچید و در مقابل چشمان
متحیر و لرزان آقامعلم، با صورت روی
جنازه غیرت و مردانگی مردانشان به ذلت
کشیده می شدند!

شاهد چه صحنه وحشت انگیزی بود! تنش
داشت می سوخت. قفل دست هایش را
باز کرد. عرق از کنار شقیقه هایش راه گرفته
بود. نمی دانست بچه ها حال زار و نزارش را
می بینند یا نه! سینه اش سنگین شده بود؛
حتی اگر برای سینه سوخته بچه ها هم حرفی
نمی زد، باید برای دل خونین خودش هم که
شده، کمی حرف می زد! ضرورتش را فهمیده
بود؛ ولی جملاتش را پیدا نمی کرد! درست
مثل زمانی که می دانست باید ازدواج کند،
ولی مصداقش را پیدا نکرده بود!

برای بچه ها از ازدواج نمی گفت! مثل همه
مشاورها، یا نه ببخشید اکثر مشاورها،
صورت مسئله را پاک نمی کرد. البته اینکه
گوشش از نق و ناله های اقتصادی بچه ها
هم پر بود، بی تأثیر نبود.

اما آیا می شد تا زمان حل مسئله، این
طفل های معصوم را بی پناه در دهان شیر
رها کرد؟! به چشمانشان نگاه نمی کرد؛
چون کنجاوی بچه ها داشت به اضطراب
ختم می شد و او بیشتر از هر کسی از این
اضطراب متنفر بود. بچه ها وقتی متلاطم
می شدند هم اضطراب می گرفتند. بچه ها
این جور وقت ها مثل برکه ای آرام بودند
که ناگهان از درون به هم می ریخت و
می آشفست و مثل آب، خون دلشان را به
این طرف و آن طرف - آه بی خیال - هدر
می دادند. مگر چیزی جز پشیمانی و دوده
گناه دستشان را می گرفت؟!

شده بود مثل سربازی که در محاصره دشمن ایستاده، درحالی که تمام دوستان و هم‌زمانش، چند فرسخ آن‌طرف‌تر، در خوابِ خوشِ بعدازظهر خوابِ جامعه آرمانی پس از ظهور را می‌بینند! به بچه‌ها نگاه کرد و آن‌ها را تک‌به‌تک از نظر گذراند. «بچه‌ها مرز کشور او بودند.» مرزی که بدون مدافع و حامی، درمقابل هجوم تادندان مسلح جهانی داشتند می‌شکستند! فکر نمی‌کرد که بتواند به این بچه‌های بی‌دفاع بگوید خودتان از خودتان دفاع کنید. یعنی رویش نمی‌شد! سرش را پایین انداخت. حرف‌ها مثل گلوله‌های آتشی به سمتش شلیک می‌شدند:

آقا، نمی‌خواهید چیزی بگویید؟!

آقا، وقت کلاس روبه‌تمام است. چیزی نمانده‌ها! محمدرضا دارد نفس‌های آخرش را می‌کشد!

آقا، خیلی دیر آمدید. مادستمان خالی بود و مسعود پاسخ شُبّهاتش را نگرفت و تلف شد!

برادر، هرچه ما پشت بی‌سیم صدایت کردیم، گفتند داری قسط‌های وام ازدواجت را پر می‌کنی! علی دخترخاله‌اش را می‌خواست...! نیامدی...! خربت کرد و خودش و دختر بیچاره را به آتش داد!

آقا اجازه! ما می‌توانیم برویم بیرون آبی به صورتمان بزنیم؟ داغی نفس‌هایمان چشمانمان را مثل گاز خردل می‌سوزاند! آقا...! به نظرتان، شیمیایی شده‌ایم؟

آقا، گرای ما را دقیق گرفته‌اند! توپخانه‌شان روی ماست. اصغر! روی زمین نخواب. بگذار ایستاده بمیریم!

آقا اجازه! به نظرم، من هم تیر خورده‌ام. به نظرم، عاشق شده‌ام!

آه! آه! این هم از آن ساعت‌هایی بود که حرفی نزده بود؛ ولی خودش از گفتن و بچه‌ها از شنیدن، شهید شده بودند!



مؤسسه تربیتی رسانه‌های مآذنه
سیدمحمد حسن مدرس مصالی
دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس بازی‌های ویدئویی

بازی - گوشه



انگاره

بازی کامپیوتر (PC)

سن مناسب: بالای ۴ سال

بازی ایرانی انگاره متمرکز بر اشکال هندسی و حرکت اجسام است. اگر فرزند شما به ترسیم اشکال و نقاشی علاقه دارد، این بازی و چرخ نگار در آن، قطعاً درگیرش خواهد کرد. بازیکن

برای پیشبرد بازی، نیاز به رسم اشکال هندسی مختلف دارد و معماها نسبتاً ساده هستند. نقش و نگارهای بازی بسیار زیبا و منحصر به فرد هستند و با تزریق فرهنگ معماری اسلامی ایرانی، اثر زیبایی خلق شده است. ارزش تجربه این بازی نوآورانه بالاست. این بازی از طریق سکوی انتشار "هیولا" باقیمت مناسب قابل تهیه است.

Fruit ninja

بازی موبایل (Android, ios)

سن مناسب: بالای ۷ سال

یک بازی هیجان‌انگیز، سریع و درعین حال زیبا که در آن بازیکن باید میوه‌هایی که به سمت بالا پرتاب می‌شوند را تکه کند. فرزندتان در این بازی ترغیب می‌شود مثل نینجاها شمشیر بزند و انواع میوه‌ها را تکه کند. این بازی نیاز به بالا بردن سرعت



عمل و همچنین تمرکز دارد، چراکه در کنار

میوه‌های شاد و جذاب و خوشمزه،

بمب‌هایی پرتاب می‌شوند که

بازیکن باید از تکه کردن آن‌ها

اجتناب کند. این بازی کاملاً

آفلاین است و نیاز به

اتصال ندارد.



تفاوت در عشق‌ورزی

در شماره‌های گذشته در مورد تفاوت‌های زن و مرد و تاثیر این تفاوت‌ها بر روابط زوجین گفته شد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در زندگی زوجین اختلافات را به حداقل می‌رساند، شناخت زوجین از رفتارهای جنسیتی یکدیگر است. به این معنا که وقتی زوجین شناخت بیشتری نسبت به تفاوت‌های جنسیتی یکدیگر دارند، آرامش بیشتری در زندگی را نیز تجربه می‌کنند و در نهایت تنش کمتری را در زندگی خود خواهند داشت. در واقع بخش عمده‌ای از تعارضات و اختلافات زن و شوهرها به دلیل عدم شناخت آنها نسبت به تفاوت‌های یکدیگر می‌باشد و با به دست آوردن این شناخت می‌توانند این تعارضات را به حداقل برسانند.

یکی از مسائلی که در تفاوت‌های جنس زن و مرد موجب اختلافات در

این مولفه‌ها موجب می‌شود بتوانند بر اساس مدل جنسیتی همسرشان ابراز عشق نمایند.

جنس زن معمولاً عشق و علاقه خود را با ابراز نگرانی و یا دلشوره برای همسر خود نشان می‌دهد. حساسیت‌های بیش از حد یک خانم نسبت به همسرش و تماس‌های مکرر او با آقا وقتی در خارج از خانه حضور دارد، به معنای ابراز علاقه و عشق به همسرش می‌باشد ولی آقا از این مسئله ناراحت و نگران است که چرا همسرش مدام او را پیگیری می‌کند. و این اختلاف در مدل عشق‌ورزی باعث به وجود آمدن تنش در زندگی زناشویی می‌شود.



رابطه زناشویی می‌شود، تفاوت در نوع عشق ورزیدن زوجین به یکدیگر است. با وجود اینکه زوجین، همسرشان را بسیار دوست می‌دارند و بارها و بارها بر اساس مدل خودشان ابراز علاقه کرده‌اند، اما همسران آن‌ها متوجه این ابراز عشق و علاقه نشده‌اند. مفهوم این مطلب این است که زن و مرد هر کدام بر اساس جنسیت و نوع نیازهای خود به همسرشان عشق می‌ورزند و در واقع بدون در نظر گرفتن تفاوت دیدگاه ابراز عشق میان خود و همسرشان، عشق ورزی و ابراز عشق و علاقه می‌کنند و همین موجب می‌شود که طرف مقابل احساس کند که برای همسرش دوست داشتنی نیست و احساس عشق همسرش را نسبت به خود دریافت نکند.

در ادامه به ۵ تفاوت عشق ورزیدن در زنان و مردان اشاره خواهیم کرد که شناخت

مردان معمولاً عشقشان را با ابراز روابط مشترک از جمله کمک به همسر و پیشنهاد رابطه جنسی بیان می‌کنند و انتظار دارند که همسرشان از این رفتارها برداشت عشق ورزیدن را داشته باشد. در صورتی که پیشنهاد جنسی و رابطه جنسی از طرف آقا برای خانم به معنای ارضای نیاز می‌باشد ولی آقا این عمل را به خاطر ابراز علاقه و عشق به همسر انجام می‌دهد.

مردان، نوع نگاه و دیدگاه آنها نسبت به عشق و عشق ورزی متفاوت است و همین موجب می‌شود که زوجین احساس کنند که همسرشان علاقه‌ای به آنها ندارد. ولی اگر هر کدام از آنها بتواند از زاویه نگاه دیگری عشق و ابراز علاقه را بیاموزند و بر آن اساس علاقه خود را ابراز کنند، در کاهش تنش‌ها و دریافت عشق حقیقی توسط همسر، بسیار موثر خواهد بود.

زنان زمانی می‌توانند ابراز عشق واقعی داشته باشند که با یک نفر مکالمه طولانی انجام دهند و از طرف مقابل نیز کلمات و جملات همدردی و عاشقانه بشنوند. زمانی که یک خانم نمی‌تواند با همسرش گفتگوی موفقیت آمیزی داشته باشد، احساس عشق را تجربه نخواهد کرد. زیرا احساس می‌کند که از طرف همسرش درک نشده است.

وقتی یک مرد شرایط مالی خوبی را برای همسرش فراهم می‌کند و یا برای خرید لباس به او هزینه‌ای می‌دهد، همسر او باید این را متوجه باشد که آقا می‌خواهد عشق و علاقه خود را با دادن هزینه مالی ابراز کند. در چنین موقعیتی اگر خانم بتواند از رفتارهای همسرش متناسب با جنسیتی که دارد مدل ابراز عشق و علاقه او را دریافت نماید، در علاقه همسرش نسبت به خودشک نخواهد کرد.

به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در زنان و

در نقطه مقابل اگر آقا این هزینه مالی را با گفتن یک جمله دوستت دارم به همسرش تقدیم کند، خانم نیز متوجه این خواهد شد که دلیل این عمل آقا ابراز عشق و علاقه به همسرش بوده است و هدف همسرش این است که علاقه خود را به او ثابت کند نه اینکه نیازهای مالی او را به تنهایی برآورده سازد.

البته باید سعی شود که زوجین متناسب با نیازهای یکدیگر عشق ورزی به هم را

ادامه دارد...



مهارت ارتباط صمیمی والدین با فرزندان ۵

محمد حامد مبینی راوندی - دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ تفسیر قرآن و تعلیم و تربیت اسلامی



۹. مواجهه درست با اشتباهات فرزندان

هر انسانی خطا می‌کند. فرزندان به دلیل تجربه و فهم کم‌تر نسبت به والدین، ممکن است خطای بیش‌تری داشته باشند. ما باید خود را برای پذیرش اشتباهات فرزندانمان - که به‌طور طبیعی اتفاق می‌افتد - آماده ساخته، به‌جای سرزنش و توبیخ وی، اشتباهاتش را به‌درستی به او یادآور شویم و جهت‌گیران آن، شرایط را با کمک خود مهیا سازیم. این نکته را نیز باید مدنظر داشت که تحریک حس لجبازی در فرزند، فقط یکی

دارا بودن زبان و مسائل مشترک با فرزند، احترام گذاشتن به فرزند، اعتمادسازی و داشتن اعتبار نزد فرزند، کنترل ابزارهای قطع‌کننده ارتباط، تعدیل انتظارات به میزان توان فرزند، ابراز زبانی و عملی علاقه و محبت، تعریف از خاطرات کودکی خود و اهمیت قائل شدن برای استقلال‌طلبی فرزند؛ از جمله راهکارهای برقرار ارتباط صمیمی با فرزند بودند که در شماره‌های گذشته این ماهنامه به ذکر آنها پرداخته شد. در این نوشتار به بیان برخی دیگر از راهکارهای برقراری این ارتباط می‌پردازیم:

زیادی داشته و خواهند داشت. به همین جهت، باید در حد توان از دوستان فرزندان شناخت مناسبی داشته باشیم و نیز با آن‌ها رابطه مناسبی برقرار کنیم. این شناخت و برقراری رابطه چند نکته مثبت زیر را برای والدین در امر تربیت و ایجاد رابطه بهتر با فرزند فراهم می‌کنند:



❶ شناخت بیش‌تر از وضعیت فکری و علایق فرزند (با توجه به نوع انتخابی که در تعیین دوست داشته است)؛
 ❷ شناخت بیش‌تر نسبت به فضای ذهنی دوست فرزند و پیش‌بینی اثراتی که ممکن است بر ذهن فرزند بگذارد (دوستی که به‌طور طبیعی بر فکر و ذهن فرزند اثر بسیاری خواهد داشت)؛

از آسیب‌هایی است که در اثر تنبیه مداوم و تحقیر او در پی اشتباهاتش، رخ خواهد داد و حتی او را به سمتی می‌برد که به والدین دروغ بگوید. این حالت به‌سادگی موجب از بین رفتن ارتباط صمیمی بین دو طرف خواهد شد!



والدین باید به فرزند خود بفهمانند که مانند یک همدم دلسوز در کنارش هستند تا اشتباهات آنان را گوشزد کنند که وی، خود آن‌ها را جبران کند. این تذکر، به‌جای تأثیر مخرب در رابطه با آن‌ها، کمکی در راستای ایجاد ارتباط بیش‌تر و صمیمی‌تر خواهد بود.

۱۰. شناختن دوستان فرزند و ارتباط با آنان

دوستان فرزند، مهم‌ترین افراد هم‌سن در زندگی او هستند که روی او اثرگذاری

۱۱. ایجاد رابطه دوستانه بین فرزندان

یکی از حواشی اغلب زندگی‌ها، وجود اختلاف بین فرزندان است که ممکن است والدین مجبور شوند طرف یکی از آن‌ها را بگیرند و این، در نگاه فرزند دیگر مساوی است با فرقی گذاشتن و در نتیجه حسادت به برادر یا خواهر خود و نیز کدورت نسبت به والدین. بنابراین، لازم است با رویکردی صحیح نسبت به ایجاد ارتباط مناسب بین فرزندان، برای به حداقل رساندن این حواشی تلاش کنیم.

📌 شناخت شخصیت دوست فرزند و راه نفوذ براو، جهت استفاده از وی به عنوان یک ابزار تربیتی؛ زیرا دوستان فرزند، بدون این که خودشان متوجه باشند، در صورت تعامل و اتخاذ نقشه مناسب توسط والدین، می‌توانند یکی از ابزارها و بازوهای قوی تربیتی والدین باشند؛

📌 درک و اطلاع از موضوعات مهم ذهنی که بین فرزند و دوستانش وجود دارد؛ این شناخت در برقراری زبان و موضوع مشترک بین والدین و فرزند می‌تواند مؤثر باشد.



واگذاری مسئولیت مشترک، دیدن زحمات و نقش تمامی اعضای خانواده، هدیه دادن به یکدیگر، بازی‌های مشترک، تعریف از خوبی‌های هرکدام از آن‌ها نزد دیگری و... را می‌توان برخی از این برنامه‌ها جهت کاهش حواشی و ایجاد رابطه مناسب بین فرزندان دانست.

علاوه بر راهکارهای ذکر شده، رعایت چند نکته

ضروری است:

❶ **قاطعیت والدین:** والدین در عین احترام، محبت، دوستی و صمیمیت، نباید قاطعیت خود را فراموش کنند و ارزش‌ها و اصول تربیتی خود کوتاه بیایند و آن‌ها را نادیده بگیرند. توجه داشته باشیم که تربیت درست فرزند، هدف اصلی است و ارتباط صمیمی را نیز در همین راستا نیاز داریم. بنابراین، در مواقعی که برای فرزند آفت تربیتی ایجاد می‌شود، باید قاطعانه با او برخورد کرد و محکم پای اصول خود

ایستاد و این قاطعیت را در مواقع دیگر با عطوفت کافی جبران نمود. تعیین برخی قوانین و چارچوب‌ها در قالب وظایف هر فرد در خانواده، همیشه لازم و ضروری است. هرکس باید بداند که باید به ارزش‌ها و قوانین خانوادگی پایبند باشد و این مسئله در کنار سایر ملاحظات، آسیبی به صمیمیت بانوجوان نمی‌زند.

والدین مقتدر، هرچند در تعاملات خود با فرزندان‌شان گرم هستند؛ اما هنگامی که موقعیت اقتضا می‌کند، از بازخواست و تنبیه (غیربدنی و به صورت ملایم) نیز استفاده می‌کنند. نکته مهم این است که نباید قاطعیت را با خشونت اشتباه گرفت؛ زیرا به همان اندازه که خشونت از ضعف روحی و اخلاقی سرچشمه می‌گیرد، قاطعیت، جدیت و داشتن قدرت تصمیم‌گیری نیز نشان از قدرت روحی و امتیاز اخلاقی است که اگر با عوامل دیگری مثل: نرم‌خویی، صمیمیت، سعه صدر و

روشن بینی همراه شود، آثار بسیار مفید و سازنده‌ای در تربیت برجای می‌گذارد.^۲

👉 **مراقبت عاقلانه:** رها کردن و اعطای آزادی بیش از حد به فرزندان، گرچه در ظاهر راه مناسبی برای جلب اعتماد و احترام به فرزند و در نتیجه هموارسازی ارتباط صمیمی با اوست؛ ولی راه کاملی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، در کنار اعطای آزادی باید چند نکته را نیز مدنظر داشت:

👉 **الف) آزادی نباید به طور مطلق و در تمام موارد باشد؛ بلکه در برخی موارد که اعطای آزادی به سیر تربیت فرزند آسیب می‌زند، نباید او را رها و آزاد گذاشت. مثلاً برای استفاده از موبایل باید ساعات مشخصی قرار دهیم؛**

👉 **ب) در مواردی که فرزند آزاد گذاشته می‌شود، باید در صورت نیاز یک سری قوانین و اصولی که تحت اصول و ارزش‌های تربیتی هستند، برای او مشخص نمود، تا در چارچوب آن قوانین و اصول از آزادی خود استفاده کند. مثل تفریح یا گفت‌وگو با دوستان؛**

👉 **ج) در مواردی که به فرزند آزادی داده شده، باید نظارت نیز وجود داشته باشد. البته با رعایت چند مورد:**

اول: لازم نیست این نظارت خیلی ظاهر باشد و در واقع فرزند نباید احساس کند که به حریم خصوصی و شخصی او تجاوز شده و او حریم خصوصی ندارد (مثل بازرسی لوازم شخصی و...)

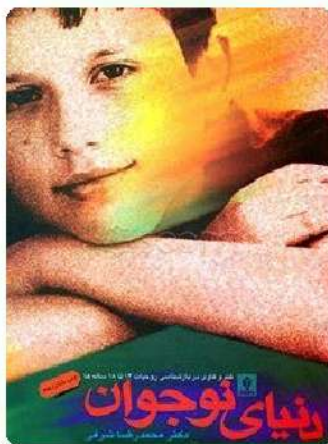


باشیم، باید با دیگران ارتباطات بهتری از خود بروز دهیم و با افراد مختلف صمیمیت در ارتباط را مدنظر قرار دهیم.



برای مطالعه بیشتر تر:

- ر.ک: دنیای نوجوان، محمدرضا شرفی، انتشارات منادی تربیت، تهران، ۱۳۹۱ش.



دوم: این نظارت نباید بوی جاسوسی از اطرافیان یا دیگران بدهد؛

سوم: فقط به اندازه نیاز نظارت باشد و بیش از آن تجسس نشود و در مواردی نیز باید برخی نکات را حمل بر خوبی کرد تا نگاهمان به فرزند خراب نشود؛

چهارم: در مواردی لازم است از اصل تغافل (نادیده گرفتن) یا تجاهل (به غفلت زدن خود) استفاده کنیم.

➤ الگوی رفتاری: والدین یکی از اصلی‌ترین الگوهای رفتاری فرزندان هستند. نوع ارتباطشان با اطرافیان، به فرزندان آموزش می‌دهد که چه مقدار و چگونه با دیگران باید صمیمی یا خشک باشند.^۲ در نتیجه، اگر می‌خواهیم با فرزندان ارتباط صمیمی بهتری داشته

پی‌نوشت

۱. ارتباط صمیمی والدین با فرزندان عاملی مهم در پیشگیری از اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی، حمید صرامی، نشریه پیوند، آبان ۱۳۸۸، ش ۳۶۱، صص ۳۴-۳۵.
۲. «اصول و شیوه‌های مؤثر در ارتباط والدین و فرزندان»، زهرا امیرحسینی، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، زمستان ۱۳۹۰، ش ۱۱، صص ۷۷-۱۰۸.
۳. ر.ک: والدین سمی، ترجمه: فاطمه موحد پارسا، انتشارات الینا، قم، ۱۳۹۹ش.



هویت اسلامی - ایرانی را دریابید!

صنورا حسینی - کارشناس ارشد شیعه‌شناسی

ایران با نام رسمی **جمهوری اسلامی ایران**، کشوری در غرب آسیا است. این کشور از غرب با ترکیه و عراق، از شمال غربی با ارمنستان و جمهوری آذربایجان، از شمال با دریای خزر و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان، و از جنوب با دریای عمان و خلیج فارس هم‌مرز است. ایران با دارا بودن پهناوری به مساحت ۱،۶۴ میلیون کیلومترمربع، هفدهمین کشور پهناور جهان است، و با جمعیت تخمینی ۸۶،۸ میلیون نفری، در رتبه هفدهم کشورهای با بیشترین جمعیت، قرار می‌گیرد. زبان رسمی کشور ایران، فارسی است. اما به راستی ایران چیست و ایرانی کیست؟ آیا ایران همین است که گفتیم. مساحت جغرافیایی ایران چه به دل‌ها کرده است که کرد و لر و بلوچ و مازندرانی و ارمنی و تالشی و گیلکی و..... سر بر خاک این کشور

می‌گذارند و خاکش را طوطیای چشمشان می‌کنند. این خاک چه دارد که شهید رستم اذرباد (شهید زرتشتی ایرانی) برای از دست ندادن آن جان‌شان را فدا می‌کنند. بی‌تردید آنچه ایران و ایرانی را معرفی می‌کند، «**هویت ملی**» است.

و در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، زبانی و ... است. مثلاً زبان می‌تواند یکی از عناصر مهم در هویت ملی باشد؛ رهبر معظم انقلاب علیه السلام بارها در سخنرانی‌هایشان بر این مسئله تأکید کرده‌اند که فرهنگ و زبان ایرانی را باید حفظ کرد.



ایشان در بیاناتی در دیدار با رؤسای دانشگاه‌ها فرمودند: «**هویت ایرانی** یک چیز عجیبی است در تاریخ؛ همه‌ی کسانی که به ایران تهاجم کردند به یک نحوی، در ایران بعد از مدتی حل شدند؛ زبان‌شان، آداب‌شان، فرهنگشان؛ تنها چیزی که مستثنا است، اسلام است که



هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور است. هویت ملی دارای عناصر سازنده گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، جامعه‌ای، انسانی،

اسلام آمد ایران و در ایران غرق نشد، ماند و ایرانی، اسلام را از بُن دندان قبول کرد؛ و آلا در کشورهای موردتهاجم عرب‌های مسلمان، هر جا رفته‌اند زبان عوض شده است؛ مصر زبانش عوض شد، فلسطین زبانش عوض شد، شامات زبانش عوض شد، زبانشان عربی شد، [اما] ایران زبانش عوض نشد، فارسی باقی ماند؛ یعنی یک‌چیز عجیبی است در ایران؛ این خصوصیتی است که مال کشور ما است. اینجا هم همین جور شد، هویت ایرانی کار خودش را کرد.»^۲

باستان و زرتشتی‌ها گرفته تا ورود اسلام و گرایش به تشیع.

آنچه هویت ملی ایران را تشکیل می‌دهد مردمانی است دین‌دار؛ چیزی که دشمنان همیشه در پی نابودی آن بوده و هستند. می‌خواهند با بزرگ‌نمایی نمادهایی از هویت تاریخی ایران، هویت ایرانی و اسلامی را از هم جدا سازند. چیزی که شاید در کشورهای چون ترکیه و دیگر کشورها هیچ‌گاه به این شدت نبوده است و تاریخ گرایش به مادی‌گرایی و بی‌دین بودن را در بین آن‌ها بسیار ثبت کرده است.

دین‌گرایی و هویت ایرانی

اما تفاوتی که هویت ملی کشور ایران با دیگر کشورها همیشه داشته است پیوند آن با دین‌گرایی است. هویت ایرانی هیچ‌وقت از هویت دینی جدا نبوده است. ما در طول تاریخ مقطعی نداریم که آیینی در کشور ما نبوده باشد. از ایران

استاد مطهری رحمته‌الله در ابتدای انقلاب اسلامی ایران با پرداختن به این مسئله در کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام به طرح دیدگاه‌هایی درباره‌ی هویت ایرانی پرداخته و از میان عناصر متفاوتی که به هویت ایرانی شکل داده است، به مذهب اولویت و اصالت



حجاب و پوشش در ایران باستان

یکی از نمادهایی که به راحتی به ما ثابت می‌کند که مردمان ایران باستان هیچ‌گاه بدون مذهب نبوده‌اند؛ نوع پوشش‌های آنان است. در ایران هیچ‌گاه برهنگی

بخشیده و عواملی چون جغرافیا، نژاد، زبان، سنن، فرهنگ و سایر عناصر هویتی را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار داده است. از نظر ایشان مهم‌ترین عامل هویت‌یابی ایرانیان، گرایش آنان به دین اسلام می‌باشد، چراکه اسلام به واسطه خصوصیات معنوی خود، توانست به ایرانیان هویت جدیدی اعطا کند و به ایرانی بودن نیز معنای جدیدی بدهد. با اینکه گرایش به اسلام از مهم‌ترین عوامل هویت‌یابی ایرانیان است اما در کُتب درسی دوران ابتدایی سال‌های گذشته آموزش و پرورش، ایران آباد، ایان آزاد و... داریم؛ ایران اسلامی نداریم! یعنی ایران با وصف اسلام در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش به‌کار برده نشده است.

سوم دقت کنید بانویی است محجبه که علاوه بر روسری گویا نقاب هم دارد.

هویت ملی در تاریخ معاصر ایران

تاریخ معاصر ایران را می‌توان تاریخ چالش هویت دانست؛ زیرا از دوران قاجار به بعد، بالأخص در نهضت مشروطیت، هویت ملی ایرانیان تحت تأثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی و رشد ملی‌گرایی با چالش‌ها و بحران‌های مهمی روبه‌رو شد. بنابراین، یکی از مسائل مهم جامعه و تاریخ ایران، حتی در طول ۲۵۰۰ سال گذشته حفظ هویت ایرانی در تقابل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بود. این مسئله در دوران معاصر، به‌خصوص در عصر پهلوی و آستانه انقلاب اسلامی، شکل خاص خود را داشته است که از آن به بحران هویت یا چالش‌های هویت ملی تعبیر می‌شود.^۴

ایران در منطقه‌ی خاورمیانه پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلفی

معنایی نداشته است و زن در فرهنگ ایرانی همیشه دارای جایگاه خاصی بوده است که باید آن را ممتاز شمرد.

در کتاب پوشش باستانی ایران آمده است: از نقوش هخامنشی تصاویری به یادگار مانده است که زن بومی ایران را نشان می‌دهد که از پهلو بر اسب سوار است و چادری مستطیل شکل بر روی سر و لباس‌های خود افکنده است و در زیر آن یک پیراهن دامن بلند و زیر این یک نیز پیراهنی دیگر و بلندتر تا مچ پا نمایان است.^۴

«از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است.^۵ در تخت جمشید نیز نگاره‌ای معروف به «نگاره خزانه‌داری» است. داریوش بر تخت جلوس کرده، ولیعهد در پشت سر شاه ایستاده است. به تصویر نفر

چون: هند، چین، مصر، بابل، یونان و روم بوده است. از همین رو در طول تاریخ کهن، این سرزمین شاهد تحولات سیاسی، دینی و نظامی بسیار بوده است که در تعیین هویت ایرانی و تحول آن نقشی اساسی را ایفا کرده‌اند از این میان، دو مسئله گسترش اسلام در ایران و برخورد کشور ما با اندیشه‌های جدید غربی در تحول هویت ملی ما بیش‌ترین تأثیر را داشته است.

« ما بایستی با فرهنگ خودمان، ایرانی

زندگی کنیم، ایرانی باید بیندیشیم و فکر

کنیم؛ و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

را در زمینه مسائل علم هم حتماً بایستی

رعایت بکنیم که این به نظر من بسیار

مهم است.»^۷

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را

در جایگاه‌های مختلف می‌توان

مورد بررسی قرار داد؛ مثلاً در

بحث پوشش و حجاب

خانواده‌هایی توانند با تأکید

بر استفاده از مدل‌های

اصیل ایرانی حجاب

اسلامی را هم داشته

باشند. در طراحی لباس

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

اما در پایان جا دارد مطلب مهمی را

مورد اشاره قرار دهیم و آن الگویی

است که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام

برای حفظ هویت ملی ایرانی و

پیشرفت کشور در بیاناتشان

در ارتباط تصویری با جلسه

هیئت دولت مورد تأکید

قرار دادند و فرمودند:



اسلامی-ایرانی، نقطه نظر و هدف ما طراحی لباس نیست، بلکه ایجاد ارزش توسط طراحی بر پایه مبانی اندیشه‌های اسلامی- ایرانی است. اما طراحی لباسی که امروزه در حال مشاهده و آموختن آن هستیم، طراحی لباسی است که بر پایه اقتصاد می‌باشد و ارزش در لباس مدرن کاملاً متفاوت با مفاهیم فرهنگی و اعتقادی ما است. و چه کسانی بهتر از خانواده‌های طلاب برای این طراحی‌های لباس. یکی از وظایف قطعی خانواده‌های طلاب در این روزها می‌تواند تشکیل کارگروه‌هایی با موضوع طراحی لباس اسلامی - ایرانی باشد. کارگروه‌هایی که با بازار اقتصادی هم ارتباط پیدا کنند و بتوانند خروجی‌های خود را به بازار عرضه کرده و لباس اصیل اسلامی - ایرانی را به جامعه نشان دهند.

توجه به رنگ‌های به کار برده شده در لباس‌های کودکان و دخترکان امری است که این روزها کمتر دغدغه آن در بین خانواده‌ها به چشم می‌خورد. ایمان رنگ همیشه در طول تاریخ ایران و اسلام هویت‌ساز بوده است و چرا هرساله این جامعه‌ی غربی است که باید رنگ لباس مد دختران و جوانان ما را انتخاب کند؛ در صورتی که زمانی که غرب از رنگ بی‌اطلاع بود، در جهان اسلام رنگ‌ریزی وجود داشت.

پی‌نوشت

۱. دانشتنی‌های سیاست: هویت، محمد مهدی کوشا، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۸.
۲. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰.
۳. ر.ک: مقاله هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری علیه السلام - قدرت الله قربانی
۴. ضیاپور، جلیل: پوشاک باستانی ایرانیان: تهران، وزارت فرهنگ و معارف، ۱۳۴۷ش، ص ۷۹.
۵. ضیاپور، پوشاک باستانی ایرانیان، ص ۵۶.
۶. هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری علیه السلام، به قلم قدرت الله قربانی: <http://farsi.khamenei.ir>
۷. بیانات در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر علمی ۱۳۹۸/۷/۱۷.

فلسطینی دوستی

آثار برگزیده ارسال شده از مخاطبین



دینا یوسفی از شیراز



درساجفیری فام ۱۳ ساله - خوزستان - مسجد سلیمان



سبحان جعفری فام-8ساله-خوزستان-مسجد سلیمان



فاطمه دل افکار



سید پرهام موسوی نسب - ۱۰ ساله - خوزستان



پریا سادات موسوی نسب - ۱۲ ساله - خوزستان

فراخوان مقالات

ماهنامه خانواده‌مبلمان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
در نظر دارد مقالاتی با موضوعات ذیل ویژه خانواده طلاب و مبلغان (همسران و فرزندان)
در ماهنامه «خانواده مبلمان» به چاپ برساند.

موضوعات فراخوان:

۱. بیان تجربیات تبلیغی خانواده مبلمان و روحانیون؛
۲. تفریحات سالم برای خانواده مبلغ در محیط تبلیغی؛
۳. کودکی و نوجوانی فرزندان مبلمان؛ ویژگی‌ها و نیازها؛
۴. مدیریت روابط خانواده طلاب و مبلمان با خویشاوندان؛
۵. تبیین ارزش و آثار تبلیغ برای خانواده و فرزندان مبلمان؛
۶. تبیین ظرفیت‌های تبلیغی اعضای خانواده طلاب و مبلمان؛
۷. نیازهای آموزشی، مهارتی و هنری خانواده طلاب و مبلمان؛
۸. فضای مجازی، فیلم‌های خانگی، بازی‌های رایانه‌ای و چالش‌های پیش رو؛
۹. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در محیط تبلیغی و خانواده؛
۱۰. راهکارها و زمینه‌های اشتغال همسران طلاب و مبلمان (تحصیلی، تبلیغی و اشتغال خانگی).

امتیازات

- * پرداخت حق‌التألیف
- * چاپ مقاله به نام نویسنده
- * صدور گواهی و تأییدیه چاپ
- برای نهادها و مراکز

شرایط مقالات

- * حداکثر حجم مقالات ۱۰۰۰ کلمه تایپ شده؛
- * دارای نوآوری و خلاقیت؛
- * مناسب خانواده طلاب و مبلمان؛
- * ارائه راهکار در محتوای مهارتی.

از عموم طلاب (برادران و خواهران) علاقمند و صاحب نظر، دعوت می‌شود
مقالات و آثار علمی خود را به دفتر مجله ارسال نمایند.

راه‌های ارتباطی



۰۲۵-۳۱۳۲۵۶۵

@Ammar_۱۹۸۵

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir